

مزیت‌شناسی و فرصت‌شناسی اقتصادی در بنادر آبادان و خرمشهر

طرح پژوهشی انجام شده توسط زنده‌یاد هدی صابر
انتشار الکترونیکی توسط پایگاه در فیروزه‌ای
(www.hodasaber.com)

بهار و تابستان ۱۳۸۵

**گزارشی از درک و دریافت ها و ره یافت ها
از یک میدان پژوهش؛**

**مزیت شناسی و فرصت شناسی اقتصادی
در**

بنادر آبادان و خرمشهر

خانه پژوهش نواندیش

مردادماه ۱۳۸۵

به سفارش موسسه بهار خرمشهر



ارزانی به؛

شهدای والامقام

بی نام و نشان

و

با نام و نشان

آزادی خونین شهر

و

شکست حصر آبادان



مدیر طرح ہدی صابر

• همکاران طرح

• آقای میکائیل عظیمی پژوهشگر - سامان ده جداول

• خانم سارا موسوی دستیار پژوهش - تنظیم کننده

متن مصاحبه ها

• خانم زهرا عمرانی برنامه ریز سفرها

• آقای حنیف صابر همکار

• خانم طاہرہ سلطانی حروفچین و صفحہ آرا

• مشاور علمی طرح: آقای مهندس سید جعفر مرعشی



زمان اجرای پژوهش؛

۱۰ خرداد ماه

تا

۱۰ مرداد ماه

۱۳۸۵



فهرست عناوین

<u>شماره صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	مدخل
۲	بیان مسئله و اهمیت موضوع
۴	میدان پژوهش
۹	روش پژوهش
۱۰	چارچوب محتوایی گزارش
۱۱	توصیف های پژوهش
۱۲	پس زمینه تاریخ اقتصادی و بزرگراه های توسعه
	بنادر آبادان و خرمشهر
۱۸	تنگناشناسی کلان منطقه
۲۵	تنگناشناسی بخشی منطقه
۲۹	توجهات استراتژیک
۳۹	پرانتزی میان توصیف و تجویز
۴۱	تجویزهای پژوهش
۴۲	فروض پیشینی تجویز
۴۳	پیش نیاز های تجویز:
۴۴	مبنای تئوریک
۴۸	مدل احیاء
۵۱	ملزومات مدل
۵۵	پرسش های استراتژیک
۵۶	پاسخ های استراتژیک
۵۷	فرصت های توسعه منطقه



۶۲	محورهای توسعه امروزین:
۶۴	بندر محدود
۶۹	کشاورزی اقلیمی
۷۴	خوشه های صنعتی
۷۶	خوشه خرما
۸۵	خوشه آبری
۸۷	خوشه نیشکر
۸۹	صنایع پایین دستی قطب های
	صنعتی استان
۹۱	دیگر زمینه ها



به نام خدا

مدخل؛

با بهره‌گیری از فرصت فشرده ۶۰ روزه- از تاریخ ۱۰ فرورداد ماه تا ۱۰ مرداد ماه ۸۵- تلاشی پژوهشی حول موضوع «مزیت‌شناسی و فرصت‌شناسی اقتصادی در بنادر آبادان و خرمشهر» سامان یافت. این پژوهش که در طرح عمومی‌تر «ترویج و توسعه کارآفرینی و توانمندسازی در بنادر آبادان و خرمشهر» جای دارد و ده یافته‌های نهایی آن معطوف به بسترسازی برای ایجاد اشتغال در دو شهر یادشده است، در سرآمد مدت زمان تعیین شده، یافته‌هایی را به عنوان محصول کنکاش، عرضه می‌دارد. یافته‌هایی را مرکب از دو عنصر «توصیف» و «تجویز».

گزارشی که در پیش‌روی قرارداد، مجموعه‌ای است از یافته‌های توصیفی و تجویزی پژوهش.



«بیان مسئله و اهمیت موضوع»

دو شهر آبادان و خرمشهر به رغم تفاوت‌های هویدا در وضعیت، موقعیت، مزیت و چشم‌اندازهای دیروزی و امروزی خود، در محورهای چند، از مشترکات و مشابهت‌هایی جدی برخوردارند؛ هر دو شهر در دوران پیش از بزنگاه تاریخی آغاز جنگ ایران و عراق در میانه سال ۵۹، دارای

حس زندگی

مزیت استراتژیک اقتصادی

اشتغال کامل منابع

رونق اقتصادی

جایگاه مشخص در تولید ملی

و زیست بین‌المللی تعریف شده

بوده‌اند. این دو شهر، هم امروز نیز با گذشت ربع قرن کامل از آن بزنگاه تاریخی و در پی سپری شدن ۱۸ سال تمام از مخاصمه هشت ساله، مشخصه‌هایی مشترک را نمایان ساخته‌اند؛

جمعیت بازگشته بدون اعتماد به آینده و هراسناک از بی‌آیندگی

از کف دادن مزایای نسبی پیشین

نا مشخص بودن جایگاه جدید در اقتصاد ملی

مشارکت حداقلی در تولید ملی

و تزلزل در موقعیت زیست بین‌المللی

هنگامی که تهدید امنیتی بالقوه ناشی از شرایط ویژه جهانی و منطقه‌ای را نیز به مشترکات یاد شده بیفزاییم، به ضرورت مبرم تثبیت وضعیت و موقعیت این دو شهر، راه می‌بریم. به دیگر بیان، این دو شهر همسایه به باز یافت موقعیت، وضعیت و معیشت، نیازی آشکار دارند. مهم‌تر آن که هم‌اینک این باز یافت ضروری، از «برنامه»، «روش» و «مدیریت» برخوردار نیست.

شاخص آن که، تخصیص اعتبارات بدون مدیریت در دو دهه اخیر به همراه خیل شعارهای مطروحه بی‌پشتوانه و مساعی عاطفه برانگیز، تا کنون حلال مسئله نبوده‌اند و بحران بقاء پایدار در این دو شهر به طور روز افزون، غامض تر و پیچیده تر می‌شود.

در تحلیل نهایی، جای یک هسته فکر کن، طراح، برنامه ریز و تخصیص ده، در میانه این دو شهر، خالیست.



در چنین شرایطی، درک وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دو شهر از مناظر ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و سپس، ارائه طریق و رهنمونی به مسیرهای برون رفت از بحران در سطوح کلان، میانی و خرد، ضروری به نظر می‌رسد.



میدان پژوهش

پژوهش که استفاده فشرده‌ای از زمان به عمل آورده است، سه حوزه در برابر خود گشود. حوزه‌هایی که از وزن نسبی متفاوتی برخوردارند؛

• حوزه مطالعه ۱۵٪

• حوزه مشاهده ۱۰٪

• حوزه مصاحبه ۷۵٪

• **حوزه مطالعه**، خوب خوانی آخرین مستندات و مدارک کارشناسی و پژوهشی مربوط به آبادان و خرمشهر و فیش برداری از آن‌ها را در بر گرفته است. مستندات و مدارک یاد شده شامل موارد مندرج در ذیل اند:

- مستندات سازمان مدیریت و برنامه ریزی
- مستندات سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خوزستان
- انتشارات مرکز آمار ایران
- انتشارات اداره کل جهاد کشاورزی استان خوزستان
- انتشارات اداره کل صنایع و معادن استان خوزستان
- مستندات دفتر پی‌گیری اجرای طرح‌های آبادان و خرمشهر
- مصوبه هیئت وزیران در مورد بازسازی آبادان و خرمشهر
- طرح بازسازی و توسعه شهرستان‌های آبادان و خرمشهر - دکتر شریف مطوف
- انتشارات سازمان منطقه آزاد اروند
- طرح جامع منطقه آزاد اروند (گزارش‌های مراحل اول، دوم و سوم)
- طرح‌های جامع آبادان (۱۳۶۴ به بعد)
- طرح‌های جامع خرمشهر (۱۳۶۴ به بعد)
- طرح امکان‌سنجی ایجاد منطقه آزاد تجاری - صنعتی در خوزستان، دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی
- انتشارات مدیریت شیلات وزارت جهاد کشاورزی
- انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، وزارت بازرگانی



- جمع‌بندی و تبیین جایگاه بندرآبادان و راهبردهای توسعه (بخش‌های اول تا چهارم)، سازمان بنادر و کشتیرانی، مهندسین مشاور معماری و شهرسازی عرصه
- جایگاه خرمشهر و آبادان در توسعه پایدار، گروه مشاوران آداب‌دانان
- مدارک پژوهشکده بازسازی آبادان و خرمشهر
- مجموعه مقالات همایش «شناخت استعدادهای بازرگانی - اقتصادی خوزستان»، ۱۳۷۸
- شش سناریو به دنبال معمار (شش مجموعه رویدادی در جهت باززنده‌سازی خرمشهر) پارسا اردم □ محمدرضا قدوسی، پایان‌نامه، ۱۳۸۱
- طرح ترویج و توسعه کارآفرینی و توانمندسازی در بنادر خرمشهر و آبادان (گزارش اول، فاز صفر) خانه پژوهش نواندیش
- حوزه مشاهده، بازدید پرسشگرانه از امکانات قدیمی و جدید دو شهر از جمله

بندرگاه خرمشهر

بندرگاه آبادان

شهرک صنعتی خرمشهر

شرکت‌های تجاری و حق‌العمل‌کاری

سازمان فنی و حرفه‌ای خرمشهر

سازمان فنی و حرفه‌ای آبادان

منطقه آزاد اروند

بازارهای محلی

بازارته لنجی آبادان

مناطق شرکتی آبادان

کارگاه آموزش و بافت فرش جزیره مینو

را در بر می‌گیرد.

- حوزه مصاحبه نیز طرح پرسش و دریافت پاسخ از مدیران دولتی محلی، تولید کنندگان محلی،



مدیران سابق محلی و استانی و کارشناسان بیرون از منطقه را پوشش داده است. این مجموعه، ۴۶ مورد مصاحبه را در فهرست الفبایی مصاحبه‌شوندگان به شرح زیر، شامل می‌شود:

فهرست مصاحبه‌شوندگان

ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت	مکان
۱	آقای آقایی	کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خوزستان	اهواز
۲	آقای اشکوری	کارشناس دفتر آمایش سازمان مدیریت و برنامه ریزی	تهران
۳	آقای اکبری	رئیس اتاق بازرگانی آبادان	آبادان
۴	آقای اکبری	مدیر کل اداره بازرگانی آبادان	آبادان
۵	آقای باورساد	رئیس دانشگاه علوم و فنون دریایی	تهران
۶	آقای بخشنده	کارشناس و تولید کننده کشاورزی	اهواز
۷	آقای بدیعی	مسئول اسبق بازسازی آبادان	تهران
۸	آقای بصیرزاده	ریاست دفتر پیگیری طرح‌های عمرانی آبادان و خرمشهر	خرمشهر
۹	آقای بیت چنغان	رئیس اتاق بازرگانی خرمشهر	خرمشهر
۱۰	آقای ربیحاوی و تجار	مدیر کل اداره بازرگانی خرمشهر	خرمشهر
۱۱	آقای تربتیان	مدیر عامل شرکت خرم شط	خرمشهر
۱۲	آقای جباریان	تاجر	خرمشهر
۱۳	آقای جلالی	معاون طرح و برنامه جهاد کشاورزی استان خوزستان	اهواز
۱۴	آقای حاجتی	کارشناس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خوزستان	اهواز
۱۵	آقای حسن زاده	مدیر کل اداره صنایع و معادن استان خوزستان	اهواز
۱۶	آقای حسینی	بازرگان	آبادان
۱۷	آقای حمیدانی پور	معاون شهرداری خرمشهر	خرمشهر



۱۸	آقای خوشبخت	رئیس سازمان فنی و حرفه ای خرمشهر	خرمشهر
۱۹	آقای دورقی زاده	کارشناس اداره جهاد کشاورزی آبادان	آبادان
۲۰	آقای ستاری‌فر	ریاست سابق سازمان مدیریت و برنامه ریزی	تهران
۲۱	آقای سعدیان	کشاورز	خرمشهر
۲۲	آقای سعیدی	ریاست سابق شیلات و مدیرعامل کنونی شرکت کشتیرانی والفجر	تهران
۲۳	آقای سواری	مدیر کل جهاد کشاورزی خرمشهر	خرمشهر
۲۴	آقای شاه محمدی	مدیر سابق آموزش شیلات	تهران
۲۵	آقای شیرالی	فرماندار خرمشهر	خرمشهر
۲۶	آقای صفری	مسئول کارگاه قالی بافی شرکت سهامی فرش	جزیره مینو
۲۷	آقای عباسی	معاون منطقه آزاد اروند	تهران
۲۸	آقای عباسی	بازرگان	خرمشهر
۲۹	آقای عطشانی	رئیس اداره کار آبادان	آبادان
۳۰	آقای فخری زاده	کارشناس سازمان بنادر و کشتیرانی آبادان	آبادان
۳۱	آقای فولادی	ریاست اسبق دفتر آمایش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی	تهران
۳۲	آقای کرم پور	کاشناس ارشد بازنشسته دفتر آمایش سازمان مدیریت و برنامه ریزی	تهران
۳۳	آقای کشاورز	مدیرعامل تعاونی صیادی	تهران
۳۴	آقای کوه‌سرخ	رئیس سازمان فنی و حرفه ای آبادان	آبادان
۳۵	آقای محمدپور	شهردار خرمشهر	خرمشهر
۳۶	آقای مقتدایی	استاندار سابق خوزستان	اهواز
۳۷	آقای مطوف	کارشناس ارشد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی	خرمشهر



آبادان	مدیرعامل منطقه آزاد اروند	آقای ممویی	۳۸
خرمشهر	کارشناس اداره بنادر و کشتیرانی خرمشهر	آقای مهران میدری	۳۹
تهران	نماینده آبادان در مجلس ششم	آقای احمد میدری	۴۰
تهران	کارشناس ارشد معماری شهری و از مدیران اسبق بازسازی آبادان	آقای میری	۴۱
خرمشهر	مدیر شهرک صنعتی خرمشهر	آقای محمدی	۴۲
تهران	کارشناس دفتر آمایش سازمان مدیریت و برنامه ریزی	خانم نصیری نیا	۴۳
خرمشهر	مدیرکل شیلات خرمشهر	آقای هاللات	۴۴
آبادان	معاون فرمانداری آبادان	آقای یزدان خواه	۴۵
خرمشهر	شهرک صنعتی خرمشهر	جمعی از صنعتگران	۴۶



روش پژوهش

با عنایت به آنکه میدان پژوهش به طور عمده بر حوزه مصاحبه مبتنی است، مصاحبه‌های «باز» با پرسش‌های «ساختاریافته» مد نظر قرار گرفته است. ساختار پرسش‌ها معطوف است به شناسایی

- تنگناهای کلان منطقه
- تنگناهای بخشی
- مزیت‌ها
- فرصت‌ها
- فرصت‌های نزدیک به تحقق

متن مصاحبه با مصاحبه‌شوندگان پیاده شده، سامان یافته و سپس مندرجات آن حول محورهای پنج‌گانه ساختار مورد نظر، طبقه‌بندی و به فیش پژوهش مشتمل بر ۲۰۰ مورد تبدیل گردیده است. اطلاعات برگرفته از حوزه مطالعه نیز در نهایت به فیش پژوهش مبدل شده و مطالب اصلی و حاشیه‌ای میدان مشاهده نیز به صورت نکته، مکتوب شده است. بدین ترتیب فیش‌های برگرفته از حوزه‌های مصاحبه و مطالعه به همراه نکات محصول مشاهده، مواد و مصالح اصلی تهیه گزارش محسوب می‌شوند.



چارچوب محتوایی گزارش

گزارش پژوهش متشکل از دو بخش اصلی است؛

توصیف‌های پژوهش

تجویزهای پژوهش

پژوهش در بخش توصیفی خود ابتدا، پس زمینه تاریخی اقتصادی بنادر آبادان و خرمشهر و بزنگاه‌های توسعه آن‌ها را ترسیم می‌کند و آن‌گاه در ادامه توصیف‌ها، تنگنای کلان و سپس تنگنای بخشی منطقه را پیش‌روی قرار می‌دهد و سپس ذیل عنوان توجهات استراتژیک، به مسائل کلیدی منطقه‌ای، ملی و محلی حول آینده اقتصادی - اجتماعی دو شهر می‌پردازد. گزارش، در انتهای توصیف‌ها و قبل از آن‌که به حوزه تجویزها وارد شود، پراتزی میان توصیف و تجویز باز می‌کند و به یک معضل تاریخی بر سر راه احیای منطقه، توجه می‌دهد. در بخش تجویزی، در ابتدا پیش‌نیازهای تجویز شامل مبنای تئوریک، مدل احیا و ملزومات مدل، مطرح و سپس اهداف مدل تبیین می‌شود. پرسش‌های استراتژیک و فرصت‌های توسعه منطقه در ادامه این بخش مقابل روی قرار می‌گیرند و در انتها راه کارهای احیاء منطقه، حول محورهای توسعه امروزی، معرفی می‌شوند.



توصیف های پژوهش



پس زمینه تاریخ اقتصادی

و

بزنگاه‌های توسعه بنادر آبادان و خرمشهر

از آنجا که ارائه راه حل برای بهبود شرایط و یا احیای هر پدیده تضعیف شده و آسیب دیده، نیاز به شناخت واقعی از وضعیت موجود آن دارد و شناخت واقعی موجودیت نیز به طور منطقی به کسب آگاهی از پدیده و سیر حرکت آن محتاج است، پیش از آن که تنگناها و مشکلات کنونی شهرهای آبادان و خرمشهر، معرفی شوند، در یک گریز تاریخی به پس زمینه تاریخ اقتصادی و بزنگاه‌های توسعه دو شهر مورد مطالعه می‌نگریم. این نگاه تاریخی، به تجویزهای نهایی برای برون رفت از وضعیت کنونی، کمک مؤثری خواهد کرد.



بزنگاه های تاریخ توسعه آبادان

نام پیشین : عبادان

- آغاز ساخت پالایشگاه در سال ۱۲۸۸ ه . ش
- پایان ساخت پالایشگاه به سال ۱۲۹۱ و صدور اولین مجموعه پالایشی به میدان ۴۳۰۰
- تن از بندر اختصاصی شرکت ملی نفت ایران و انگلیس
- تأسیس دفتر مرکزی شرکت ملی نفت ایران و انگلیس
- افزایش توان تولید پالایشگاه در سال ۱۳۰۸ به میزان ۶ میلیون تن پالایش سالانه نفت خام.

در پی این مهم، پالایشگاه آبادان در رده چهارمین پالایشگاه جهان قرار گرفت.

- تغییر نام شهر از عبادان به آبادان در سال ۱۳۱۴
- پایان یافتن مرحله نهایی توسعه مناطق شهری شرکتی در سال ۱۳۲۹
- پایین آمدن پرچم انگلستان و تابلو شرکت ملی نفت ایران و انگلیس از سردر دفتر مرکز شرکت در آبادان و به اهتزاز در آمدن پرچم ایران و نصب تابلو شرکت ملی نفت ایران بر سردر دفتر

- جهش توان تولید پالایشگاه در سال ۱۳۴۱ به میزان ۶۰ میلیون تن در سال
- آغاز جنگ ایران و عراق در ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ و توقف فعالیت پالایشگاه در اثر آتش تهاجم عراق

• آغاز فعالیت محدود پالایشگاه در سال ۱۳۷۲

• نائل آمدن پالایشگاه به ظرفیت تولید پیش از جنگ در سال ۱۳۷۶



بزرنگاه‌های تاریخ توسعه خرمشهر

نام پیشین : محمره

- مبدل شدن به بندرگاه در سال ۱۱۹۱ ه.ش
- یگانه راه تجارت جنوب در آغاز دهه ۱۲۹۰
- تجهیز کیفی بندر به سال ۱۳۰۸ به اسکله بزرگ با قابلیت پهلوگیری کشتی‌های باری
- تغییر نام رسمی از محمره به خرمشهر در سال ۱۳۱۴
- مورد بهره برداری قرارگرفتن اسکله تجاری بزرگ در سال ۱۳۱۸ و پهلوگیری یک فروند کشتی اقیانوس پیما
- کاربری نظامی بندر خرمشهر در سال ۱۳۲۰ (۲۱۹۴۱) در جهان جنگ دوم بین الملل با احداث ۶ اسکله برای بارگیری نظامی متفقین
- احداث اسکله بتونی به طول ۳۶۰ متر و عرض ۵/۳۲ متر در سال‌های پس از جنگ دوم
- آغاز تجهیز و نوسازی ساختمان بندر در سال ۱۳۳۴ و افزایش اعتبار در دو مرحله در سال‌های ۱۳۳۷ و ۱۳۴۰، منجر به افزایش طول اسکله از ۱۰۰۰ متر به ۱۳۵۰ متر و فزونی تعداد ایستگاه‌های پهلوگیری به ۹ مورد
- تجهیز بندر به دستگاه مکند به سال ۱۳۵۲
- اشغال خرمشهر از سوی نیروهای متجاوز عراق از آبادان ۱۳۵۹
- آزادی «خونین شهر» در سوم خرداد ۱۳۶۱
- راه اندازی و آغاز به کار اسکله ۴ پست بندر خرمشهر در آبان ماه ۱۳۷۱ و بارگیری شناورهای بادی با ظرفیت بالای ۸۵ تن به مقصد کویت
- ورود اولین کشتی تجاری متعلق به امارات متحده عربی با ۱۶۰ تن کالا به بندر خرمشهر پس از ۱۲ سال در دی ماه سال ۱۳۷۱



باز سازی؛ بخشی از تاریخ توسعه منطقه

براساس آنچه که در سند رسمی «گزارش نهایی برآورد خسارات اقتصادی جنگ تحمیلی» توسط سازمان برنامه و بودجه در پایان جنگ هشت ساله منتشر شده است، استان خوزستان بالاترین میزان خسارات مستقیم ناشی از جنگ را متحمل شده است. خوزستان از مجموع ۴۳۲/۸۱۱/۳۰ میلیون ریال خسارات مستقیم وارده به استان های کشور، میزان ۶۵۹/۵۵۸/۱۰ میلیون ریال معادل ۳/۳۴ درصد کل خسارات مستقیم وارده را به خود اختصاص می‌دهد. در توزیع ۶۵۹/۵۵۸/۱۰ میلیون ریال خسارات مستقیم، ۱۵ درصد مواد و کالا، ۷۳/۱۳ درصد ماشین آلات و تجهیزات و ۲۵/۷۱ درصد ساختمان و تأسیسات سهم داشته‌اند. در میان شهرستان‌های استان، آبادان و خرمشهر بالاترین سهم در آسیب های وارده را متحمل شده‌اند.

با عنایت به تحت اشغال بودن خرمشهر به مدت تقریبی ۱۸ ماه و تحت محاصره قرارداشتن آبادان به مدت تقریبی یک سال و همچنین با توجه به تداوم بمباران ها در حد فاصل آزاد سازی خونین شهر و رفع حصر آبادان تا زمان اعلام آتش بس در تیر ماه ۱۳۶۷، میزان تخریب و فرسایش دو شهر، بس قابل توجه است؛

مطابق اطلاعات رسمی منتشره، میزان واحدهای مسکونی با ۱۰۰ درصد تخریب در خرمشهر به ۹/۴۲ درصد در سال ۶۷ بالغ می شود و تعداد کل واحدهای مسکونی آسیب دیده در آبادان نیز در سطح ۴۱۷۴۳ واحد گزارش شده است.

دو شهر همسایه در دوران بازسازی- که ربع قرن را در بر می‌گیرد (۱۳۸۵-۱۳۶۱)-، سه موج را تجربه کرده اند؛

• موج اول ۱۳۶۱-۱۳۶۴

• موج دوم ۱۳۶۷-۱۳۷۰

• موج سوم ۱۳۸۲-۱۳۸۵

دو شهر از آغاز روند بازسازی، با تقابل دو دیدگاه در حیطه تصمیم سازان- تصمیم گیران مواجه بوده‌اند؛ دیدگاه احداث شهر جدید و دیدگاه بازسازی در روند توسعه.

این دو دیدگاه که بر بنیان‌های فکری کاملاً متفاوتی قرارداشتند، هر یک ویژگی های خاص خود را



دارا هستند:

• ویژگی‌های دیدگاه احداث شهر جدید

- بازسازی با محوریت دولت و بدون مشارکت مردمی
- ساخت و ساز در بیرون از منطقه تخریب یا «شهر خراب»
- ساخت و ساز متمرکز و تند آهنگ
- بازگشت یک باره جمعیت به شهر و استقرار در واحدهای مسکونی آماده

• ویژگی‌های دیدگاه بازسازی در روند توسعه

- بازسازی با پشتیبانی دولت و مشارکت مردم
 - ساخت و ساز در منطقه تخریب یا «شهر خراب»
 - روندی بودن ساخت و ساز
 - بازیافت هویت شهر در جریان بازسازی
 - بازگشت تدریجی جمعیت به شهر
- جدا از آن که در اثر آتش‌پرحجم سال‌های ۱۳۶۴-۱۳۶۶ به روی دو شهر، فعالیت‌های بازسازی منطقه به طور کامل متوقف شد و امکانات بازسازی از این منطقه به دزفول منتقل گردید، تقابل دو دیدگاه مورد اشاره نیز به سهم خود در بطنی شدن حرکت بازسازی در کنار عواملی چون مدیریت ناکارآمد و اتلاف سرمایه و زمان، مؤثر بوده است.

چنانچه در این دوران طولانی که به ربع قرن بالغ می‌شود، دیدگاه توسعه‌ای که بر نقش مشارکتی مردم در ساخت و ساز، ایفای نقش دولت به عنوان بسترساز و تسهیل‌گر و رعایت قواعد توسعه‌ای تأکید داشت، محور بازسازی قرار می‌گرفت، به طور طبیعی وضعیت منطقه با آن چه که هم اینک مشاهده می‌شود، متفاوت بود.

در اسفندماه ۱۳۸۲، در شرایطی که عملاً روند بازسازی آبادان و خرمشهر متوقف شده بود، هیئت‌وزیران در جلسه ۱۳۸۲/۱۲/۱۰، مصوبه‌ای به قصد خروج از این شرایط در مسیر «حل مشکلات موجود و پی‌ریزی توسعه شهرستان‌های آبادان و خرمشهر» با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و شورای برنامه‌ریزی استان خوزستان در ۱۵ بند به ثبت رسانید. مصوبه‌ای که دستگاه‌های اجرایی مختلف را به انجام سلسله وظایفی برای پیشبرد امور در منطقه، «مکلف» می‌کرد. سپس بازسازی آبادان و خرمشهر از تخصیص اعتباری به میزان سالانه ۲۵ میلیارد تومان از ابتدای سال ۱۳۸۳ برخوردار شد. این میزان تخصیص در سال ۱۳۸۳ نه به طور کامل اما در سال ۱۳۸۴ صد در



صد جذب شده است. در شهر آبادان، برق، فاضلاب، به سازی روستایی، آب‌رسانی روستایی، شیلات، بندر چوئیده، راه های روستایی و شهرک صنعتی از این ردیف بهره‌مند شده و در خرمشهر نیز از این محل اختصاصی برای تکمیل بازار، ساخت راه شلمچه، آب رسانی روستایی، به سازی روستا ۷ طرح آبی‌پروری شهید احمدیان، تجهیز دانشگاه علوم و فنون دریایی، آب شهری، برق روستایی، شهرک صنعتی، جاده سوسنگرد- حمیدیه و روستاهای دشت آزادگان، استفاده به عمل آمده است.

در شرایط کنونی نیز منطقه با معضلات خاص خود روبروست.



«تنگناشناسی کلان منطقه»

پژوهش در میادین مطالعه، مشاهده و مطالعه در پی آن بود تا تنگناها و مشکلات احیای منطقه را به طور جدی دریابد و طبقه بندی کند. این پیگیری خصوصاً در میدان مصاحبه که پیش از ۵۰ نفر را در بر گرفته، متعین است. در همین حال دو طیف از پنج طیف پرسش‌های ساختار یافته میدان مصاحبه‌ها به «تنگناشناسی کلان منطقه» و «تنگناشناسی بخشی منطقه» اختصاص یافته است.

تنگناشناسی کلان منطقه، خود به دو عرصه ملی و محدوده محلی تفکیک شده است. این تفکیک از آن رو صورت گرفته است که برخی مشکلات، خارج از مدار محلی و برخی در مدار محلی است.

با عنایت به آن که در طول ربع قرن اخیر، امر «بازسازی» یک «طرح ملی» قلمداد می‌شود و در این میان، بازسازی آبادان و خرمشهر خصوصاً با «حساسیت ملی» مواجه است و همچنین از آن‌جا که تصمیمات کلان، سیاست‌گذاری‌ها، برنامه ریزی‌ها و تخصیص اعتبار بازسازی آبادان و خرمشهر در مرکز انجام می‌گیرد، بخشی از تنگناها به طور طبیعی به عرصه ملی مربوط می‌شود.

در پی ارائه این توضیح ضروری، تنگناهای کلان منطقه، مرتبط با عرصه ملی و محدوده محلی و سپس تنگناهای بخشی، معرفی می‌شوند؛



• تنگناشناسی کلان مرتبط با عرصه ملی؛

- عدم انجام مطالعه آمایشی و تعیین جایگاه جدید دو شهر

از آنجا که شکل‌گیری شهرآبادان حول محور پالایشگاه در یک سده قبل و نیز تبدیل خرمشهر به یک بندرگاه بزرگ در چند دهه پیش، با دیدگاه‌ها چشم‌اندازهای آمایشی همان هنگام، انجام گرفته است و تحولات سه دهه اخیر خصوصاً جنگ هشت ساله نیز وضعیت و موقعیت هر دو شهر را دگرگون کرده است، لذا برنامه احیای منطقه، به طور طبیعی نیاز به مطالعه آمایشی جدید و تعیین جایگاه مجدد دو شهر دارد. مطالعه ای ضروری که تاکنون زمینه انجام آن فراهم نشده است.

- فقدان نظریه و استراتژی بازسازی

از نقدهای مستند و رسمی روند بازسازی منتشره از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و همچنین از بیان مسئولان محلی و کارشناسان محل و بیرون از محل، چنین دریافت می‌شود که بازسازی منطقه فاقد نظریه بازسازی و راه کارهای استراتژیک مربوط به آن است.

- تلقی فیزیکی از بازسازی و توسعه‌ای ندیدن روند آن

آن چنان که از قرائن هویدا است، بازسازی از دیدگاه تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان کلان، بر نوعی تلقی فیزیکی و صرف ساخت و ساز استوار است. به عبارتی روند موجود بازسازی، تعریف پروژه‌هایی است که در یک ربط منطقی و هماهنگ با یکدیگر قرار ندارند و یک انگاره و برنامه توسعه‌ای را برای احیای منطقه، ارائه نمی‌دهند.

- سیاست احیای امنیتی

شرایط کنونی «نه جنگ و نه صلح» و عدم امضای قرارداد صلح پایدار میان ایران و عراق از یک سو و وضعیت نا متعادل منطقه ناشی از حضور آمریکا و متحدین در کشور همسایه - عراق - از دیگر سو، در عمل به اتخاذ سیاست احیای امنیتی انجامیده است و این امر، خود به عنوان یک عامل روانی منفی در روند احیای منطقه، عمل می‌کند.



- ریسک ناپذیری دولت در عملیات زیربنایی

اتخاذ سیاست احتیاط امنیتی از جانب تصمیم گیران کلان، در عمل به ریسک‌ناپذیری دولت در عملیات زیر بنایی منجر شده است. این معضل، خود در ریسک ناپذیری بخش غیر دولتی نیز تأثیری به سزا بر جای نهاده است.

- بسندگی به تخصیص اعتبار و فقدان نظارت پس از تخصیص

آن چه که در سال های اخیر رخ داده است بسنده کردن به تخصیص اعتبار، بدون استفاده از اهرم مدیریتی برای پیشبرد کار و نیز اهرم نظارت به عنوان عاملی برای تضمین عملیاتی است.



• تنگناشناسی کلان مرتبط با محدوده محلی؛

• از منظر مدیریتی

- فقدان مدیریت کلان و هماهنگ

تلاش برای احیای منطقه فاقد یک مدیریت کلان و هماهنگ است که به عنوان مدیریتی واحد، بر دستگاه‌های اجرایی عمل‌کننده، هدایت و نظارت اعمال کند. فرمانداری‌های هر دو شهر، از ایفای چنین نقشی کاملاً بدورند.

- ناکارآمدی مدیریت محلی

مدیران محلی دو شهر عموماً به مرکز استان و مرکز کشور نگاه دارند، غیرمخیراند، از ایده‌های راه‌گشا بدوراند، ناامید و خسته به نظر می‌رسند و فاقد اشراف نظری و عملی لازم و کارآ بر حوزه مدیریتی خویش اند.

- پیشرفت نطی پروژه‌ها

پروژه‌های فاضلاب خرمشهر به طول ۴۲۰ کیلومتر، طی سال اخیر تنها ۲۰۰ کیلومتر پیشرفت داشته است. رها بودن عملیات ورزشگاه خرمشهر، پروژه آب آبادان، گازرسانی دو شهر و... نشان از رها بودن و یا پیشرفت بسیار کند پروژه‌ها دارد.

- ائتلاف سرمایه و زمان

مطابق اطلاعات کارشناسی و نیز مستندات منتشره از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی، تا کنون ۶۰۰ میلیارد تومان اعتبار به بازسازی خرمشهر اختصاص یافته اما هنوز ۴۰ درصد اراضی شهر، خارج از حوزه بازسازی قرار دارند.

• از منظر اداری

- تنزل موقع اداری منطقه

در دوران قبل از انقلاب و جنگ، دستگاه‌های اجرایی دو شهر، عنوان «اداره کل» داشته و در سطح استان نیز شاخص بوده اند. اما هم‌اینک از چنین سطحی برخوردار نیستند. در همان زمان، کنسولگری عراق نیز در خرمشهر مستقر بوده است که خود حاکی از اعتبار سیاسی منطقه بوده است.



- سطح نازل کارشناسی محلی

دستگاه‌های اجرایی محلی عموماً از حضور کارشناسان توانا، تهی هستند. گرچه این ضعف در مرکز استان نیز قابل مشاهده است.

- رشد هزینه‌های پرسنلی

نسبت هزینه‌های پرسنلی دستگاه‌ها به کل هزینه‌ها در مقایسه با گذشته فزونی یافته است.

• از منظر نظام تولید

- رها بودن زیربناها

دو شهر فاقد آب شرب بهداشتی، سیستم فاضلاب و گاز شهری‌اند. برق صنعتی خرمشهر نیز با مشکلات خاص خود مواجه است. عدم تسطیح اراضی کشاورزی و فقدان زه‌کشی و سیستم شوره زدایی اراضی، بخش دیگری از معضلات زیربنایی منطقه است.

- فقدان نظام پیشینی و پسینی تولید

در عموم موارد، نظام‌های ماقبل و مابعد تولید مهیا نیست و تولید را با مشکلات جدی مواجه ساخته است.

- پاره شدن زنجیره ارتباطات تولیدی

- فروپاشی نظام پیمانکاری توانمند محلی

- فرار سرمایه

سرمایه‌های به کار افتاده خصوصی در محل، سرمایه‌های خرد و متوسط‌اند و سرمایه‌های کلان، در بیرون از محل اعم از شهرهای پررونق داخلی و خارج از کشور، به کار افتاده‌اند.

- مهاجرت تخصصی

برخلاف گذشته که آبادان جاذب تخصص‌های متنوع فنی و خرمشهر جاذب تخصص‌های تجاری و بندرگاهی بوده‌اند، در طول سال‌های گذشته، متخصصان دو شهر در بیرون از محل، ماندگار شده‌اند.

- نرخ مشارکت نازل تولیدکنندگان خصوصی

- ناکارآمدی نظام وام و اعتبار

نظام بانکی محلی آن گونه که باید حامی تولید نیست.



- بیکاری پر دامنه

نرخ بیکاری خرمشهر ۲۸ درصد اعلام شده است که بالاترین نرخ در میان شهرستان‌های کشور است.

نرخ بیکاری رسمی آبادان اعلام نشده است اما مسئولان شهری، میزان بیکاری را «انبوه» می‌خوانند.

- نیروی کار فاقد مهارت و کم سواد

از مجموع متقاضیان کار ثبت نام کرده در مراکز کاریابی آبادان در سال ۱۳۸۳، ۱۵ درصد دارای مدرک ابتدایی، ۳۰ درصد راهنمایی، ۴۰ درصد دیپلم، ۵ درصد فوق دیپلم و تنها ۶/۶ درصد لیسانسیه اند.

این ارقام در مورد خرمشهر به ترتیب ۴/۵، ۵۰، ۳۵/۵، ۳ و ۵ درصد است.

- غلبه اقتصاد خرد معیشتی

اقتصاد خرمشهر، اقتصاد خرد معیشتی است و اقتصاد آبادان نیز منهای اقتصاد نفت، به همین گونه است.

• از منظر جمعیتی

- سکنه کمتر شهری - بیشتر روستایی در خرمشهر

از آن جا که جمعیت اسکان داده شده پس از جنگ در خرمشهر عموماً عشایری و روستایی اند، شهر فاقد جمعیتی با فرهنگ شهرنشینی است.

- سکنه مرکب - مهاجر در آبادان

با توجه به عدم بازگشت بخش اعظم جمعیت شهرنشین قبل از جنگ، جمعیت کنونی آبادان ترکیبی از قومیت های مختلف مهاجر است.

- برتری کمی قومیت عرب در منطقه

ترکیب جمعیت منطقه نسبت به سال های قبل از جنگ، به طور جدی به نفع قومیت عرب، تغییر یافته است.

• از منظر اجتماعی

- بی اعتمادی عمومی به دولت ناشی از دو دهه وعده های عمل نشده و بی دستاوردی

- احساس عمومی شهروند درجه دومی بودن میان سکنه منطقه



- فرهنگ کار غیرتوسعه ای
- بنا به اظهار مسئولان ادارات کاریابی، متقاضیان کار عموماً در پی مشاغل خدماتی دولتی هستند.
- تنزل فاحش دانش عمومی در منطقه و تقلیل جدی سهم منطقه در جامعه دانشگاهی کشور و پذیرش در آزمون های سالانه آموزش عالی.
- مقایسه دم به دم با شرایط زیست قبل از جنگ و انقلاب
- حس بارز بی آیندگی در اهالی
- تنش بالقوه قومی
- عدم بهره مندی از امکانات مناسب بهداشتی- درمانی، رفاهی، فرهنگی و ورزشی



«تنگنا شناسی بخشی منطقه»

• بخش صنعت:

- فقدان طراحی صنعتی مبتنی بر مزایای نسبی محلی
- تولیدکنندگان صنعتی محلی بدون آن که چارچوب طراحی صنعتی مبتنی بر مزایای نسبی را از سوی مدیران محلی یا استانی در دست داشته باشند براساس تشخیص و گرایش خود مبادرت به سرمایه گذاری و سامان دهی تولید کرده اند.
- شهرک صنعتی بدون خدمات لازم و کارآ
- ایجاد لگو صنایع خرد و متوسط
- صنایع شکل گرفته در منطقه، صناعی از نوع خرد و متوسط اند.
- نظام بانکی غیرهمراه و مشکل اخذ وثیقه های سنگین از متقاضی وام
- ریسک بالای سرمایه گذاری
- کمبود فاحش طیف تکنسین و کارگر ماهر
- بالا بودن قیمت تمام شده کالاهای صنعتی
- عدم شناخت کافی تولیدکنندگان از بازارهای همجوار
- فقدان تشکل صنفی صنعتی برای پیشبرد مطالبات صنعتگران

به طور فشرده؛

مستقل از مشکل کلان فقدان طراحی صنعتی مبتنی بر مزایای نسبی محلی، صنایع شکل گرفته در یک دهه اخیر صناعی است با سرمایه های خرد و متوسط که در بستری نامناسب از امکانات زیربنایی و خدمات پشتیبانی ضمن و پس از تولید، زیست می کنند. مضاف آنکه با مشکل جذب نیروی ماهر و متخصص روبرو هستند. ناآشنایی تولیدکنندگان با بازارهای صادراتی کشورهای همجوار و مجهز نبودن آن ها به تشکیلات صنفی پیش برنده، از دیگر مشکلات بخش است.

• بخش کشاورزی؛



- فقدان سیاست واحد کشت
- عدم اعمال سیاست واحد کشت از سوی مدیران محلی یا استانی، مبتنی بر استعدادهای کشت منطقه.
- ناآماده بودن اراضی
- اراضی از یکسو با تخریب ناشی از جنگ و از دیگر سو با شوره زدگی ناشی از نفوذ آب شور مواجه اند.
- اضمحلال نظام آبیاری طبیعی نخیلات
- نخیلات منطقه که در دوران قبل از جنگ از نظام آبیاری طبیعی ناشی از جزر و مد آب بهره می‌برده‌اند، به دلیل شکستن سدبندی‌های سنتی و پرشدن انهار میان درختان و لایروبی نشدن آن‌ها، از کاربری این نظام محروم اند.
- فقدان مدیریت تولید و صادرات در حوزه نخیلات
- عدم انجام مطالعات کافی فاز صفر در سرمایه‌گذاری‌های جدید در حوزه آبریز پروری
- توقف کشت میگو در اثر انتشار بیماری لکه سفید

به طور فشرده؛

جدا از غیبت سیاست واحد کشت و فقدان نظام مشورتی برای ارائه مشورت به تولیدکنندگان محلی، نخیلات به عنوان مظهر بخش کشاورزی منطقه، نظام آبیاری طبیعی خود را که از جزرومد دریا بهره می‌جسته است، مضمحل می‌بیند. معطل ماندن لایروبی انهار که احیای نظام آبیاری طبیعی را ممکن می‌کند، از مشکلات اصلی این حوزه به شمار می‌آید. دخالت‌های دولت در خرید و انبار کردن محصولات نخیلات در شرایط کنونی به کاهش کیفیت و افزایش قیمت منجر شده است. از سویی مشکل دیرینه بسته بندی و شکل نگرفتن روندهای فرآوری خرما، موقعیت ناپایداری برای خرماي منطقه در بازارهای صادراتی، فراهم آورده است.

صیفی کاری چه در شکل «میان نخلی» و چه به شکل مستقل به طور عمده به تأمین مصرف خانوادگی و محلی اختصاص دارد و در پی یافتن بازارهای گسترده تر و پایدار نیست.

بخش صیادی سهم درخوری در مجموعه میزان صید کشور ندارد. در حوزه آبریز پروری جدید که به طور مشخص تر در مجموعه شهید احمدیان خرمشهر، سازمان یافته است، فاز صفر طراحی نشده و مزارع ماهی و میگو با مشکلاتی اساسی مواجه اند.



در همین حال، پیدا شدن بیماری «لکه سفید» در مزارع میگو، عملاً به تعطیل کشت میگو در منطقه انجامیده است.

• بخش بندر و تجارت؛

- ناپایداری مزیت بندر خرمشهر و وابستگی آن به اعمال معافیت ۲۰ درصد
- ناپایداری مقررات
- رسوب نکردن کالاهای وارداتی از بندر خرمشهر در بازار این شهر
- نابسامانی و آشفتگی در تجارت با عراق
- آمادگی همیشگی تجار و حق العمل کاران محلی برای نقل مکان به بندر پرورونق

به طور فشرده؛

از آنجا که بندر خرمشهر با تنزل فاحش موقعیت مواجه است، در سال ۸۴ در بالاترین سطح سال‌های اخیر خود، تنها ۵/۱ میلیارد دلار از ارزش واردات کالاهای ورودی به کشور را به نام خویش ثبت کرده است.

با عنایت به آن که در سال‌های اخیر واردات کالا از بندر خرمشهر از ۳۰٪ و سپس ۲۰٪ معافیت بهره می‌برد، بندر از «مزیت موقت» برخوردار است و در صورت حذف ۲۰٪ معافیت، انگیزه ای برای واردات کالا از طریق این بندر وجود ندارد.

از سویی، طیف تجار و حق العمل کاران منطقه با مشکلات اداری - تشکیلاتی خاص خود روبرو هستند.

آبادان نیز به مثابه یک بندر، صاحب موقعیت نازلی در نظام بندرگاهی کشور است. در همین حال مبادلات تجاری مرزی با کشور عراق که در بازار مرزی شلمچه متمرکز است مشکلات حقوقی، اداری، مالی و امنیتی خاص خود را داراست و به نسبتی که عراق به سمت سامان‌یافتن پیش رود، نقش ایران در بازار عراق محدود و محدودتر خواهد شد. در ورای آنچه عنوان شد، شایان توجه است که کالاهای وارداتی از بندر خرمشهر، در منطقه رسوب نکرده و ورود کالا به مانند سال‌های قبل از جنگ به ایجاد بازار پر رونق داخلی منجر نشده است.



«مادر تنگناها»

فقدان اعتنا به انجام مطالعات آمایشی منطقه و نیاندیشیدن به

ضرورت تعریف و تعیین جایگاه مجدد دو شهر آبادان و خرمشهر و

در مقابل آن، استمرار تصمیمات فرد، کوتاه مدت، روزمره و

غیراستراتژیک، مادر تنگناهای منطقه به مساب می آید.



توجهات استراتژیک

هر طراحی و تجویز برای عبور از وضعیت موجود و راه بردن به وضعیت جدید، نیازی مبرم به «ذهن متوجه» دارد. «توجه» ذهن به تحولات «متن» و «پیرامون» موضوع مورد بررسی، کمکی است شایان به گذر آگاهانه از وضعیت کنونی. به عبارتی چنان چه توجه ذهن به فعل و انفعالات درون پدیده و پیرامون آن معطوف شود، ترسیم مسیر عبور از وضع موجود، به طور آگاهانه، میسر خواهد بود. از آنجا که قریب به سه دهه از دوران نظم پیشین بنادر خرمشهر و آبادان می‌گذرد و در طول این دوران، تحولاتی اساسی و کیفی در عرصه‌های بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و محلی روی داده است و تحلیل شرایط آبادان و خرمشهر، دیگر با متغیرهای سه دهه قبل ممکن نیست، ضروری است به آنچه که در طول ۳۰ سال گذشته در متن و پیرامون رخ داده است، توجه شود. بر این اساس می‌توان در سه مدار «بین‌المللی - منطقه‌ای»، «ملی» و «محلی» به مسائل استراتژیک، توجه کرد.

توجهات استراتژیک در مدار «بین‌المللی - منطقه‌ای»

۱- تغییر جایگاه منطقه بزرگ خلیج فارس در نظم بین‌المللی و تقسیم کار جهانی: سه دهه قبل - در سال‌های میانی دهه ۱۹۷۰ - منطقه بزرگ خلیج فارس از منظر قدرت‌های حاکم بر کشورهای صنعتی (مخصوصاً آمریکا، اروپا و ژاپن) آبراهی برای خروج امن نفت خام و ورود بی‌مسئله کالاهای ساخته شده کشورهای صنعتی به بازار کشورهای منطقه خلیج فارس، قلمداد می‌شد.

از این منظر، کشورهای منطقه خلیج فارس در تبادل عام بین‌المللی، نفت تحویل می‌دادند و کالا تحویل می‌گرفتند. به همین موازات از آن‌جا که در میانه دهه ۱۹۷۰، کشورهای صنعتی بنا بر یک تصمیم استراتژیک، سرمایه‌ها و توان تخصصی خود را به سمت صنایعی چون کامپیوترهای پیشرفته، میکروپرسورها و..... انتقال می‌دادند و درصدد بودند تا سرمایه‌ها و توان تخصصی خود را از صنایع نفت و مشتقات، فولاد و.... به منظور مشارکت در حوزه‌های جدید، آزاد کنند، بر آن شدند تا صنایع نفت و مشتقات را به کشورهای پیشرفته تر کشورهای حوزه خلیج فارس، واگذارند. این



تصمیم در حد فاصل سالهای میانی دهه ۱۹۷۰ تا نیمه دهه ۱۹۸۰ به مورد اجرا گذاشته شد. لذا زان پس، کشورهای این حوزه، وظیفه صدور فرآورده‌های نفتی و سرمایه‌گذاری در صنایع پتروشیمی در دیگر مناطق جهان را نیز عهده دار شدند.

این منطقه در پی سقوط رژیم شاه در سال ۱۹۷۹ و وقوع جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۰، دستخوش تحولاتی جدی شد. به عهده گرفتن نقش کلیدی توسط شیخ‌نشین‌های حوزه خلیج فارس از مهمترین رخدادهای پس از دهه ۱۹۸۰ تا کنون است؛

در پی آن که عربستان و کویت، میزبانی صنایع مشتقات نفت را در عرصه بین‌المللی عهده دار شدند، کویت و امارات متحده عربی نیز به مراکز تجاری بین‌المللی تبدیل گردیدند. در راستای ایفای نقش جدید، کویت و سپس امارات به نمایشگاه کالاهای ساخته شده کشورهای صنعتی و مراکز صادرات مجدد، مبدل شدند، اما در پی تهاجم ویرانگر رژیم عراق به کشور کویت در سال ۱۹۹۰، کویت نقش خود را از کف داد و در مقابل، جایگاه امارات مستحکم‌تر از قبل شد. در فرآیند دو دهه اخیر، ایجاد مثلث استراتژیک دبی، منطقه آزاد جبل علی و ابوظبی به عنوان مراکز تجاری، نمایشگاهی و اداری، موقعیت منطقه را در مقایسه با قبل، دگرگونه ساخته است. هم‌اینک در میانه دهه اول هزاره سوم میلادی، شرکت‌های تجاری شاخص کشورهای صنعتی، دفاتر نمایندگی خود را در درون این مثلث تأسیس کرده‌اند و شهر جدید صنعتی جبل علی به تنهایی حدود ۱۵ میلیارد دلار سرمایه جذب کرده است. در همین حال ارزش صادرات و صادرات مجدد کالا از دوی به رقمی حدود ۱۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵، بالغ شده است.

محل دقت است که در پی نا امنی خلیج فارس در دوران جنگ نفتکش‌ها (میانه دهه ۱۹۸۰)، منطقه آزاد جبل علی به دوران تازه‌ای از حیات خود وارد شد. دورانی که این منطقه را به جایگاه کنونی‌اش، رهنمون ساخت.

بدین ترتیب حوزه خلیج فارس علاوه بر آن که نقش دیرینه و سنتی خود مبنی بر صدور نفت خام و فرآورده را به عهده دارد در عمل به

ویتترین بزرگ کالاهای ساخته شده کشورهای صنعتی

مراکز صادرات مجدد

و پایگاه عظیم تجارت الکترونیک بین‌المللی

مبدل شده و هم‌اینک میزبان سرمایه‌ها، مدیریت، توان تخصصی و نرم‌افزاری کشورهای صنعتی است.

۲- ایجاد تحول کیفی در نقش استراتژیک ایران در منطقه:



در آغاز دهه ۱۹۷۰، به ایران شاهنشاهی دو وظیفه مشخص سیاسی - امنیتی و اقتصادی محول شده بود؛ پس از تجربه ناکام نظامی ایالات متحده در ویتنام و طراحی نظریه مشترک نیکسون - کیسینجر، رئیس جمهور و وزیر خارجه وقت امریکا در جزیره گوام که به «نظریه گوام» شهرت یافت و با ایده «بگذار دیگران به جای ما بجنگند» به استقرار «محافظان منطقه‌ای» در کانون‌های بحرانی جهان تأکید می‌ورزید، رژیم شاه که در مرداد ۱۳۳۲ با مساعی آشکار ایالات متحده «حیات مجدد» کسب کرده و زان پس پیوندی تنگاتنگ با منافع آن کشور در منطقه داشت، به محافظت منطقه خلیج فارس و دریای عمان، گمارده شد. این کارسپاری در سفر تاریخی نیکسون و کی‌سینجر به تهران در سال ۱۹۷۲ (۱۳۵۱)، تحقق یافت.

از سویی در پی تصمیم استراتژیک کشورهای صنعتی مبنی بر انتقال سرمایه، تخصص و مدیریت از صنایع نفت و مشتقات و فولاد به صنایع نوین، ایران میزبانی صنایع مشتقات نفت و فولاد را عهده دار شد.

طراحی مجتمع‌های متعدد پالایشگاهی، افزایش ظرفیت پالایش در آبادان، تهران، شیراز، کرمانشاه، تبریز و لاوان، انعقاد قرارداد پتروشیمی معظم ایران - نیپون میان دولت وقت ایران و شرکت میتسوبیشی ژاپن و آغاز به کار طرح در دهه ۵۰ و همچنین تأسیس مجتمع‌های متعدد فولاد و رشد سرمایه گذاری های دولتی و خصوصی به سفارش دولت در این رشته، از مظاهر بارز ایفای نقش جدید اقتصادی ایران به حساب می‌آید.

اما در پی سقوط رژیم هم پیوند و هم پیمان شاه در بهمن ماه ۵۷ و استقرار نظام مستقل سیاسی در ایران، شرایط دگرگونه شد و در هر دو حوزه سیاسی و اقتصادی، تحولات جدی صورت پذیرفت. از همان سال های نخستین دهه ۱۹۸۰ تمهیداتی فراهم شد تا کشورهای عربستان و کویت به جای رژیم فروپاشیده شاه، میزبان صنایع مشتق از نفت شوند. در پی این تمهیدات تا سال ۱۹۸۸، بخش مهمی از صنایع نفتی «هفت خواهران» در اروپا به عربستان واگذار شد و بخشی نیز به همراه تعداد قابل توجهی از پمپ بنزین‌های شهرهای مختلف انگلستان از جمله لندن به کویتی‌ها سپرده شد. مضاف آن که مشابه طرح پتروشیمی معظم ایران - نیپون که از سوی ژاپنی‌ها متوقف شد، در عربستان به اجرا درآمد. شایان توجه است که محصولات طرح پتروشیمی ایران - نیپون بنا بود که تقاضای بازار فرآورده منطقه خاورمیانه را پاسخ دهد.

بدین ترتیب در یک فعل و انفعال طبیعی تاریخی، جایگاه سیاسی - اقتصادی ایران تغییر یافت. اگر رژیم شاه در دهه ۷۰ حافظ سیاسی - امنیتی منطقه، صادر کننده نفت خام و فرآورده و میزبان صنایع مشتق از نفت و نیز فولاد و مونتاژ خودرو قلمداد می‌شد. از آغاز دهه ۸۰ به این سو، نظام مستقر در ایران «عامل بی ثباتی منطقه» و صادر کننده سنتی نفت خام و واردکننده فرآورده و کالای ساخته شده



محسوب می‌شود.

۳- تأثیر تحولات منطقه بزرگ خلیج فارس بر منطقه کوچک مورد پژوهش:

در متن نظم دهه ۱۹۷۰ میلادی، پالایشگاه آبادان به عنوان «پالایشگاه اول جهان» محسوب می‌شد که در طرح میزبانی صنایع مشتق از نفت توسط ایران، همچنان جایگاهی درخور توجه داشت. در همان متن و با توجه به استحاله اقتصاد ایران در اقتصاد بزرگ جهان سرمایه‌داری از طریق صادرات نفت و فرآورده و واردات فزاینده کالاهای ساخته شده کشورهای صنعتی، بندر خرمشهر با پذیرش بیش از ۶۰ درصد کالاهای وارداتی کشور به عنوان «بندرگاه اول» ایران و در منطقه بزرگ نیز به عنوان «بندر عروس» شناخته می‌شد. با آغاز تهاجم عراق در میانه سال ۱۹۸۰ و اشغال خرمشهر و محاصره آبادان و آثار جنون ویرانگر نیروی مهاجم در دو شهر، دیگر نه آبادان پالایشگاه اول جهان بود و نه خرمشهر بندر عروس. تحولات اقتصادی بین‌المللی و منطقه‌ای پس از آن نیز به این تنزل مرتبه کمک کرد. در همین حال، فقدان مطالعات آمایشی برای تعیین جایگاه مجدد دو شهر و فقدان استراتژی بازسازی و حرکت بطئی ساخت و سازهای پس از جنگ نیز به نوبه خود در تنزل موقعیت منطقه، مؤثر بوده است.

به هر روی آبادان و خرمشهر از جایگاه بین‌المللی - منطقه‌ای در نظم پیشین برخوردار نیستند و این مهم را در هر تجویز و طراحی باید مورد عنایت قرار داد.

توجهات استراتژیک در مدار «ملی»؛

۱- حیات دولتی:

در تاریخ «دوردست» تر و به طور مشخص در تاریخ سده اخیر توسعه استان خوزستان، احداث سدهای عظیم و نیروگاه‌ها، تأسیس واحدهای بزرگ فولاد و دیگر صنایع پایه، احداث و توسعه بنادر متعدد و... تماماً توسط دولت صورت گرفته است. و از سویی این استان فاقد بازارهای محلی قطب گونه همچون بازارهای اصفهان، تبریز، یزد و شیراز و نیز فاقد زنجیره صنایع بزرگ و متوسط احداث شده توسط بخش غیردولتی به سان زنجیره های صنعتی غیردولتی در استان های اصفهان، آذربایجان شرقی، یزد و حتی قزوین است. به این اعتبار، استان خوزستان، استانی دولت ساخته است. در تاریخ «نزدیک دست» تر و مشخصاً تاریخ ربع قرن اخیر که دوران بازسازی نام نهاده شده است، بازسازی استان خوزستان نیز که مطابق اسناد رسمی منتشره، بیش از ۳۴ درصد خسارات مستقیم وارده بر اثر جنگ را متحمل شده، - فارغ از برخی مشارکت های محلی در ساخت و سازها، دولتی



بوده‌است.

در چهار چوب واقعیت دولت ساخته بودن استان خوزستان، دو شهر مورد بحث این استان نیز، پیشینه خاص خود را دارا هستند؛

آبادان در سده پس از کشف نفت-۱۲۸۷ه.ش تا کنون-، شهری است «شرکت ساخته». «شرکت شهر»ی که در ردیف بزرگترین شرکت شهرهای جهان قرار داشته و شاید بزرگترین شرکت شهر مناطق نفتی جهان بود. در پرونق ترین دوران اقتصادی آبادان که به دهه‌های ۴۰ و ۵۰ بازمی‌گردد، چنانچه «امکانات شرکتی» از شهر تفکیک می‌شد، شهر از امکانات خاصی بهره‌مند نبود. هم‌اینک نیز که آبادان کماکان دوران «نقاها» پس از جنگ را سپری می‌کند، چنان‌چه از ۲۰ هزار واحد مسکونی متعلق به شرکت و امکانات بهداشتی- درمانی، فرهنگی و ورزشی- تفریحی وابسته به آن، منفک شود، مشکل بتوان عنوان «بخش» را به آن اتلاق کرد.

خرمشهر نیز بندری «دولت ساخته» است؛ بندری که تاریخ توسعه جدید آن به یک سده اخیر بازمی‌گردد، توسط دولت قاجار احداث، به وسیله دولت رضاخان گسترش و از سوی پهلوی دوم توسعه و تجهیز یافت.

خرمشهر در ربع قرن اخیر نیز، روند بازسازی کاملاً دولتی را از سر گذرانده است. جدا از تاریخ‌های دوردست و نزدیک دست، در «اکنون» نیز استان خوزستان بیش از دیگر استان‌های کشور، تعلق دولتی دارد؛ در آخرین بودجه مصوب اعمال شده کشور مربوط به سال ۱۳۸۴، اعتبار عمرانی استان خوزستان، به میزان سه برابر استان اصفهان و برابر با اعتبارات عمرانی چند استان کشور است.

در همین سال ارزش افزوده صنعتی استان خوزستان که با ارزش افزوده ۱۹ استان برابری می‌کند، محصول فعالیت ۳۶۴ بنگاه دولتی است. در همین حال شهر آبادان در «اکنون» خویش نیز مرادف صنعت دولتی نفت و امکانات وابسته به آن است. خرمشهر نیز زیست حداقلی فعلی خود را مرهون بندرگاه کم‌رمقی می‌داند که حیات آن وابسته به اجرای معافیت وارداتی ۲۰ درصد از سوی دولت است.

استان و دو شهر مورد کنکاش، یک سده است که به نوعی در «ننوّی» دولت خوابیده‌اند.

۲- بدیل سازی پیشینه دار:

گرچه در دهه ۱۳۲۰ پالایشگاه آبادان در مرتبه نخست توان تولید پالایشگاهی جهان‌قرار داشت و این عنوان را تا پیش از آغاز جنگ ایران و عراق حفظ کرد، اما از دهه ۵۰ همزمان با نقش‌پذیری جدید ایران در عرصه اقتصاد بین‌الملل و میزبانی صنایع مشتق از نفت، از یک سو ظرفیت تولید سایر



پالایشگاه‌های کشورهای ایران از جمله پالایشگاه‌های تهران، شیراز و باختران مستمراً افزایش یافت و از سویی پالایشگاه تبریز در سال ۱۳۵۲ و دستگاه تقطیر لاوان در سال ۱۳۵۵ مورد بهره‌برداری قرار گرفتند. در همین حال در برنامه پنجم عمرانی (۱۳۵۲-۱۳۵۶) احداث ۲ پالایشگاه جدید نیز پیش‌بینی شده بود. به این ترتیب سهم نسبی پالایشگاه آبادان در مجموع ظرفیت‌های پالایشگاهی ایران در حال کاهش بود.

بندر خرمشهر نیز گرچه چند دهه به عنوان بندرگاه اول کشور، مطرح بود، اما از آغاز دهه ۴۰ ظرفیت سازی‌های جدید بندرگاهی مدنظر تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران اقتصادی دوره قرار داشته است. این سعی در دوران برنامه عمرانی دوم (۱۳۳۴-۱۳۴۱) با تجهیز و ظرفیت سازی بندر شاهپور آغاز شد (گزارش عملکرد برنامه عمرانی سوم، ص ۸۵) و سپس در برنامه‌های بعدی ادامه یافت؛ در برنامه سوم عمرانی (۱۳۴۱-۱۳۴۶) چنین هدف گذاری شده بود که ظرفیت بندر خرمشهر در سطح ۹۷۰ هزار تن ثابت مانده و در مقابل، ظرفیت بندر شاهپور و عباس به ترتیب از ۶۰۰ هزار تن به ۱۰۰۰ تن و از ۷۵ هزار تن به ۱۵۰۰ تن افزایش یابد (گزارش عملکرد برنامه سوم عمرانی ص ۸۶).

در برنامه تجدیدنظر شده پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶) نیز تجهیز بندر شاهپور، ایجاد اسکله جدید در بندر بوشهر، تجهیز بندر عباس و احداث بندر چاه بهار مورد تأکید قرار داشت (برنامه تجدیدنظر شده پنجم عمرانی، صص ۱۳۳-۱۳۲)

از دیگرسو در میانه دهه ۵۰ به سفارش دولت وقت، شرکت مشاور «سوئه کو» با ملیت سوئدی به مطالعه توسعه منطقه مشغول شد. نتیجه گزارش مطالعاتی شرکت سوئدی نیز بر بدیل سازی برای بندر خرمشهر و افزایش ظرفیت‌های پالایشگاهی در داخل خاک کشور و تقلیل نقش پالایشگاه آبادان تأکید داشت.

۳- جنگ؛ سرعت بخش روند:

با دقت نظر بر تصمیم‌گیری‌های مندرج در متن برنامه‌های عمرانی سال‌های قبل از انقلاب و روند‌های مرحله به مرحله جانشین سازی برای بندر خرمشهر و توزیع واردات کالا میان چند بندر و ظرفیت سازی‌های پالایشگاهی به موازات بهره‌گیری از پالایشگاه آبادان و همچنین با عنایت به تجویزهای مشاوران مبنی بر بدیل سازی برای بندر خرمشهر و پالایشگاه آبادان، در می‌یابیم که کاهش نقش و تنزل موقع منطقه، روندی جاری و ادامه دار بوده و آغاز جنگ در سال ۵۹، به آن سرعت بخشیده است.



توجهات استراتژیک در مدار «محلی»:

۱- دوران ناامنی دیرپای:

منطقه مورد نظر، بیش از یک ربع قرن و قریب به سه دهه با احساس ناامنی سرکرده است. نقطه چینی که با

جنگ هشت ساله ایران و عراق

حمله عراق به کویت

تهاجم اول امریکا و متحدین به عراق

تهاجم دوم امریکا و متحدین به عراق و اشغال آن کشور

بی ثباتی عراق پس از اشغال

ترسیم می‌شود.

۲ - آبادان متأثر از حذف کویت:

در پی تهاجم عراق به کویت در ابتدای دهه ۱۹۹۰، کویت به عنوان «ویترین نمایشگاهی» و «مرکز صادرات مجدد» در منطقه خلیج فارس، نقش خود را از دست داد و زان پس جایگاه امارات متحده عربی بسیار مستحکم‌تر از قبل شده و پس از کوتاه مدتی عملاً خلاء حذف ظرفیت کویت را پر کرد.

در پی این مهم، آبادان به عنوان بندر مجاور کویت، از وضعیت پیش آمده متأثر شد. با توجه به مسافت کوتاه میان بندر کویت و بندر آبادان، رونق کویت و موقع استراتژیک آن در تجارت بین الملل، به طور طبیعی تأثیرات مثبتی بر آبادان داشت.

۳- بندر عباس بدیل خرمشهر:

وقوع جنگ در عمل به تجهیز و توسعه هرچه سریعتر بندرعباس انجامید و این بندر جانشین بندر خرمشهر به عنوان بندر اصلی وارداتی کشور شد.

به رغم آغاز حیات مجدد بندر خرمشهر از سال ۱۳۷۲ و نیز با در نظر گرفتن بهره مندی آن از معافیت وارداتی ۲۰ درصد، خرمشهر همچنان بندری فرعی قلمداد می‌شود.



۴- ظرفیت محدود مشارکت در منطقه:

از آنجا که اهالی آبادان و خرمشهر در روند تاریخ توسعه سده اخیر چه در مراحل اولیه و چه در مراحل بعدی مشارکت نداشته و بازسازی دولتی پس از جنگ نیز زمینه‌ای جدی برای مشارکت آن‌ها در احیای مجدد فراهم نکرد، روح غیرمشارکتی به عنوان یک خصلت دیرینه، در این دو شهر پایدارتر شد.

مقایسه میان نوع مواجهه مردم دزفول و اندیمشک با رویکرد آبادانی‌ها و خرمشهری‌ها، نشانگر تفاوت روحیات و میل به مشارکت است؛

دزفول در آخرین سرشماری نفوس و مسکن در دوران قبل از جنگ که به سال ۱۳۵۵ بازمی‌گردد با ۱۲۱،۲۵۱ نفر سکنه، دارای فاصله جمعیتی ۱۷۲،۸۱۷ نفری با آبادان (۲۹۴،۰۶۸ نفر) و ۱۹،۲۳۹ نفری با خرمشهر (۱۴۰،۴۹۰) بود (جدول شماره ۱). این شهر به رغم قرار داشتن در زیر آتش پر حجم عراق و بمباران‌ها و موشک باران‌های بسیار وسیع و پرتعداد، سکنه خود را از دست‌داد و اهالی با رفت و برگشت‌های متعدد به خارج از شهر به هنگام بمباران و موشک باران‌واستفاده از پناه‌گاه‌های موقت، همزمان به، به‌سازی منازل مسکونی و محل کسب و کار خود پرداخته و اقتصادی معیشتی را نیز سرپا نگه داشتند. جمعیت دزفول در آخرین سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۷۵) به طور تقریبی برابر با جمعیت آبادان و حدود دو برابر بیش از جمعیت خرمشهر رقم خورده است. گرچه دزفول نه به اشغال در آمد و نه محاصره شد، اما اهالی ضمن زیست در شرایط کاملاً ناامن و تهاجمات ویرانگر، معیشت و بازسازی را همزمان پی گرفتند، به طوری که هم اینک اثری از آثار جنگ در شهر مشاهده نمی‌شود.

به همین موازات، موقعیت اندیمشک و ضریب مشارکت اهالی آن نیز محل توجه است؛ اندیمشک در سال ۱۳۵۵ با ۰۸۵/۳۲ نفر سکنه از جمله شهرهای کم جمعیت استان خوزستان محسوب می‌شده است. این شهر در سرشماری سال ۱۳۷۵ با ۱۰۶،۹۲۳ نفر سکنه، چهارمین شهر پر جمعیت خوزستان پس از اهواز، آبادان و دزفول قرار دارد و جمعیت آن ۱،۲۸۷ نفر بیش از جمعیت خرمشهر است.

اهالی این شهر «عبوری»، در طول سال‌های جنگ و پس از آن، شهر خود را بسیار آبادتر از دوران جنگ، رقم زدند. به گونه‌ای که چنین عنوان می‌شود؛ «اندیمشک به اعتبار جنگ آباد شد». شایان دقت است که بافت‌های جدید شهری اندیمشک در طول این سال‌ها به بیش از دوبرابر افزایش یافته و جمعیت آن نیز در حد فاصل سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۷۵ به ۳/۵ برابر بالغ شده است.



– منطقه فاقد نهادهای مدنی:

جدا از آن که هیچ تحرک جدی حزبی – حتی احزاب درون حاکمیتی – در سطح شهرهای آبادان و خرمشهر مشاهده نمی شود، نهادهای مدنی اعم از تشکل های صنفی، خیریه ها و NGOها نیز در منطقه وجود ندارند. از این رو جدا از نرخ مشارکت پائین شهروندان، بستری نیز برای بروز و ظهور میل مشارکت وجود ندارد.

۶– طور به طور شدن جمعیتی:

جمعیت بازگشته به خرمشهر پس از جنگ، جمعیتی عمدتاً روستایی – عشایری است که در عمل جانشین جمعیت شهرنشین قبل از جنگ شده است. آبادانی های بازگشته به بوم نیز به طور عمده از شهروندانی هستند که در سال های مهاجرت دوران جنگ، صاحب امکان و فرصتی در مناطق دیگر نشده اند و عموماً فاقد ظرفیت امکان آفرینی و فرصت سازی اند.

۷– توان مدیریتی پائین دستی:

در سه دهه اخیر مدیریت های استانی و بعضاً ملی به طور عمده در اختیار دزفولی ها، بهبهانی ها و شوشتری ها قرار داشته و تعدادی از آن ها نیز به عنوان مدیران مطرح استانی و ملی تلقی می شوند. به همین موازات مدیران آبادانی (غیرشرکتی) و خرمشهری، کمتر در سطح مدیران رده نخست و مطرح استان قرار گرفته اند.



جدول شماره ۱

تحولات جمعیت در شهرهای استان خوزستان ۱۳۳۵ - ۱۳۷۵

اسامی شهرها	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	میانگین رشد سالانه ۷۵ - ۱۳۳۵
اهواز	۱۲۰۰۹۸	۲۰۶۳۷۵	۳۳۴۳۹۹	۵۷۹۸۲۶	۷۲۴۶۵۳	۸۰۴۹۸۰	۷۵/۴
آبادان	۲۲۶۰۸۳	۲۷۲۹۶۸	۲۹۴۰۶۸	۶	۸۴۷۷۴	۲۰۶۰۷۳	۲۳/ -
دزفول	۵۲۱۲۱	۹۴۴۹۹	۱۲۱۲۵۱	۱۵۱۴۴۰	۱۸۱۳۰۹	۲۰۲۶۳۹	۳۹/۳
مسجد سلیمان	۴۳۶۵۱	۶۴۴۸۸	۷۷۰۹۸	۱۰۴۷۸۷	۱۰۷۵۳۹	۱۱۶۸۸۲	۲/۴۷
اندیمشک	۷۳۲۴	۱۶۱۹۵	۳۲۰۸۵	۵۶۲۸۸	۷۳۷۵۹	۱۰۶۹۲۳	۷۱/۶
خرمشهر	۴۳۸۵۰	۸۸۵۳۶	۱۴۰۴۹۰	۰	۳۴۷۵۰	۱۰۵۶۳۶	۱۹/۲
بندر ماهشهر	۱۵۶۹۴	۱۶۵۹۴	۲۹۹۴۰	۸۱۷۰۸	۷۴۲۴۸	۸۸۳۹۴	۳۲/۴
بهبهان	۲۹۸۸۶	۳۹۷۸۴	۴۹۳۷۸	۷۸۶۹۴	۸۵۸۴۶	۸۸۲۱۳	۷۱/۲
ایذه	۱۹۸۳۰	۵۱۱۵	۱۰۲۵۷	۴۶۰۴۲	۶۴۰۷۲	۸۱۲۸۸	۲۸/۸
شوشتر	۱۸۵۲۷	۲۱۹۹۹	۲۶۱۷۳	۶۵۸۴۰	۷۰۲۹۴	۷۷۹۰۰	۵۹/۳
بندر امام خمینی	۳۷۲۵	۶۱۰۱۳	۱۱۸۰۶	۴۹۳۵۵	۵۶۹۹۸	۵۵۹۳۶	۷۷/۶
امیدیه	۵۳۵۱	۷۵۷۵	۲۳۹۸۵	۵۰۴۹۴	۵۵۷۹۱	۵۳۸۳۴	۳۱/۲
شوش	۱۴۳۳	۴۵۴۸	۱۷۶۷۸	۳۹۷۱۶	۴۸۱۳۴	۵۲۰۵۸	۹۸/۸
شادگان	۴۳۲۱	۵۷۰۲	۱۰۲۴۶	۳۷۰۴۹	۴۱۲۴۰	۴۱۸۳۶	۶۷/۵

مآخذ: نتایج سرشماری سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵، مرکز آمار ایران



پرانتزی میان «توصیف» و «تجویز»

با عنایت به آن که «مطالعه آمایشی» به قصد تعیین جایگاه مجدد آبادان و خرمشهر، مبرم‌ترین نیاز احیای منطقه به حساب می‌آید و بدون دست یازیدن به آن، امکان طراحی استراتژیک اقتصادی-اجتماعی وجود ندارد، توصیه به هرگونه اقدام در سطوح کلان، میانی و خرد، از پشتوانه عملی قابل اتکاء و نیز از ضمانت پایداری و استمرار، برخوردار نیست.

اما سوی دیگر واقعیت آن است که اعتقاد و اراده آمایش در عمل وجود ندارد و تصمیم‌گیران ارشد بدون توجه به تحولات جدی و استراتژیک در منطقه بزرگ خلیج فارس و دریای عمان و نیز بدون اعتنا به سمت و سوی اقتصاد بین‌الملل و با اتکاء به انگاره‌های قبلی در خصوص موقعیت آبادان و خرمشهر، درصدد کشیدن «زَر ورق تزئینی» به روی منطقه اند.

پارادوکس اصلی منطقه و نیز پژوهش در همین دوگانگی نهفته است؛

ضرورت مطالعه آمایشی و تعیین جایگاه نو برای دو شهر

با

استمرار تصمیمات غیرآمایشی - غیراستراتژیک

از منظر منطق استدلالی، هنگام رسیدن به «ایستگاه پارادوکسیکال»، باید پژوهش را خاتمه یافته تلقی کرد و بر پیش نیاز مطالعه آمایشی، اصرار ورزید. اما هم‌اینک با یک نیاز مبرم و یک واقعیت سترگ مواجهیم؛

- نیاز مبرم اهالی «دعوت شده» به منطقه به استمرار حیات، معیشت حد متوسط و امید به زندگی

- واقعیت سترگ فقدان دیدگاه استراتژیک و مترتب بر آن، طراحی‌های استراتژیک در نظام تصمیم‌گیری

لذا بسیار مهم است که مطالعه روش‌مند و مسئولانه آمایشی چه زمانی دست می‌دهد. با محور قرار دادن آن نیاز مبرم و این واقعیت سترگ، در یک رویکرد «مسئولانه» و نه «منطقی» می‌باید به برون رفت از ایستگاه پارادوکسیکال با دیدگاهی توأمان؛ اندیشید: زمینه‌سازی برای درک و دریافت‌های آمایشی

و

به‌سازی وضع موجود

پژوهش از این منظر، در سطح «تجویز» به ایجاب‌هایی چند، توجه می‌دهد؛

- یکپارچه دیدن آبادان و خرمشهر به عنوان منطقه مشترک زیست اقتصادی-اجتماعی



- محور قرار دادن مطالعه آمایشی با عنایت به تحولات بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی
 - گریز از تجویزهای خرد و اندیشیدن صرف به ایجاد بستر برای کسب و پیشه‌های خرد و متوسط و توجه دقیق به تصمیمات و اقدامات در سطوح کلان، میانی و خرد
 - طراحی الگوی مشارکتی با تقسیم وظایف مشخص میان؛
دستگاه‌های اجرایی ذیربط
تولیدکنندگان محلی
نیروهای در آستانه ورود به بازارکار
- در چارچوب این الگو با توجه به نقش تاریخی دولت در شکل‌دهی اولیه، بزنگاه‌های کیفی حیات و نیز در روند بازسازی دو شهر و همچنین نقش پائین دستی تولیدکنندگان و نیروی کار در سده اخیر می‌باید به چگونگی مشارکت اندیشید. و نیز، می‌باید به آورده‌های این عناصر سه‌گانه و بسترسازی مناسب برای فعال شدن تولیدکنندگان محلی و نیروی کار «منتظر» فکر کرد.



تجویزهای پژوهش



فروض پیشینی تجویز

- پیش از ورود به مرحله جمع‌بندی نهایی پژوهش و «تجویز»‌های پس از «توصیف»، ضروری است تا چند فرض مفروض مورد دقت قرار گیرند؛
- ۱- منطقه نیازمند رسیدگی عاجل است.
 - ۲- ادامه کاربری الگوی «دولت محور» محض، عقلایی نیست.
 - ۳- امکان جای‌گزینی الگوی «مشارکت مردمی» با توجه به شرایط منطقه، ذهنی است.
 - ۴- نیروهای تولیدی منطقه، ناآماده و غیرمتشکل اند.
 - ۵- روند احیای منطقه تنها با تخصیص‌های ویژه اعم از مطالعاتی، برنامه ریزی، اعتباری، مدیریتی، تخصصی و نیروی انسانی میسر است.
 - ۶- مشکل کلیدی منطقه نه تخصیص اعتبار مالی که عدم تمرکز فکری- مدیریتی است.
 - ۷- احیای منطقه نیازمند یکپارچه دیدن دو شهر به عنوان یک منطقه زیست مشترک است.
 - ۸- عاطفه ملی و محلی در قبال منطقه، می‌باید سرمایه‌ای کیفی و قابل بهره‌برداری تلقی شود.



پیش نیازهای تجویز

هر تجویز و طراحی برای آن که از مقوم‌های درونی و توان استدلال ناشی از آن مقوم‌ها برخوردار باشد، نیاز به سه عنصر اساسی دارد؛

۱- مبنای تئوریک

۲- مدل

۳- ملزومات

ل مبنای تئوریک به عنوان پایه نظری مدل که اساساً طرح و تجویزها بدون پایه نظری، از انسجام کلی و انسجام اجزاء با کل و نیز توان پایداری برخوردار نخواهند بود.

ل مدل به عنوان سازواره نگهدارنده ایده و اجزای آن و اسکلت وحدت بخش میان اجزاء با کل و با یکدیگر تلقی می‌شود.

ل ملزومات مدل به عنوان اسباب و اساس ساخت مدل به حساب می‌آیند.



عنصر اول؛

مبنای تئوریک

مبنای تئوریک تجویز و طراحی می‌تواند تک وجهی باشد و می‌تواند چندوجهی. در موارد تک‌وجهی، یک عامل مبنا قرار می‌گیرد و در موارد چندوجهی، چند عامل بستر نظری را فراهم می‌آورند.

مبنای تئوریک تجویز این پژوهش بر دو وجه استوار است؛

وجه مشارکت

وجه زیست

• وجه مشارکت:

در ربع قرن اخیری که پشت سر نهاده‌ایم، گفتمان غالب یا گفتمان دورانی جهان، گفتمان «جامعه مدنی» بوده است. این گفتمان بر یک دهه اخیر میهن ما نیز که جزیی از جهان است، پرتوافکن بوده است. مشارکت طلبی و ایفای نقش مشارکتی از عناصر اصلی مدنیت به عنوان گفتمان غالب دوران است.

از منظری دیگر که به جهان بنگریم، از واقعیات جاری دو دهه اخیر چنین درمی‌یابیم که جریان‌های کوچک و متوسط اعم از NGO ها، بنگاه‌های تولیدی و شرکت‌های تجاری، باشگاه‌های ورزشی، اندیشمندان و پژوهشگران کمتر مطرح و بالأخره کشورهای رده دوم و سوم بین المللی در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، دینامیسم و کارایی ویژه‌ای از خود بروز داده و به دستاوردهای شگرفی نائل آمده‌اند و سهم قابل توجهی در تحولات جهان به خود اختصاص داده‌اند.

همچنین در درون کشورهای عظیم صنعتی نیز کوچک‌ها و متوسط‌ها نقش ویژه‌ای در روندهای دگرگونی، ایفا کرده‌اند.

به همین موازات در همین برش زمانی مورد بحث، دوران «دولت قدر قدرت» یا «دولت تمام‌قد» به سرآمد و دولت‌ها عموماً در هیئت سیاستگذار، بستر ساز و تسهیل گر ظاهر شدند. این اتفاق تاریخی تا حدودی ناشی از عرض اندام کوچک‌ها و متوسط‌ها و توان مسئله حل کنی و دستاوردهای شاخص آن‌ها و تا حدودی نیز متأثر از مبارزات اجتماعی - سیاسی، همگانی و ابراز مطالبات گسترده عمومی در سطح جهان است. به هرروی این روند نیز به سهم خود، زمینه را



برای عنصر مشارکت جویی و ایفای نقش مشارکتی، بازتر کرده است.

اگرچه در ایران ما، نقش دولت محدودتر نشد و حتی در دوران موسوم به «تعدیل ساختار»، دولت گسترده‌تر، پر حجم‌تر و قدرتمندتر شد. اما کوچک‌ها و متوسط‌ها، در محدوده‌هایی ابراز وجود کردند و مهمتر از آن در طول همین سال‌ها، مطالبات وسیع اجتماعی اعم از حقوقی، سیاسی و صنفی از سوی آحاد مردم اعلام شد.

مشارکت طلبی در حوزه تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان ملی و محلی و نیز در حوزه عمل اجتماعی از ویژگی‌های بارز ملی ما در سال‌های اخیر است.

در منطقه مورد مطالعه نیز اگرچه ضریب مشارکت مردمی پائین است، اما به هرروی جمعیت بازگشته یا اسکان داده شده، با حضور خود در منطقه کم‌امکان، به نوعی، ابراز وجود کرده‌اند. نیروهای تولیدی محلی نیز در عین ناآمادگی بستر و زیربنا، امکانات خود را به کار انداخته‌اند، ضمن آنکه دولت‌ها به طور تاریخی کمتر به بسترسازی برای مشارکت مردم اندیشیده و دست یازیده‌اند، حتی در دوران بازسازی. چنانچه دولت‌ها به مدل مشارکتی در بازسازی اقدام می‌کردند، به طور طبیعی ضریب مشارکت مردمی در احیاء منطقه، تا این حد نازل نبود.

از آنجا که مدل دولت محوری محض در احیای منطقه، پاسخ مساعدی به شرایط نبوده است و ادامه مناسبات «دولت میزبان» و «مردم مهمان»، کارساز نخواهد بود، می‌باید به یک مدل بدیل اندیشید. قطعاً مدل بدیل، «مدل مشارکتی آرمانی» که همه امور به دست مردم انجام گیرد، نخواهد بود چرا که نه دولت محور را می‌توان حذف کرد و نه ضریب مشارکت نازل منطقه را به طور جهشی می‌توان ارتقاء داد. بدین ترتیب می‌باید به مدلی «تحقیقی» اندیشید. مدلی که ترکیبی از مشارکت دولت، مردم و تولیدکنندگان محلی را دربرگرفته و سامان بخشد. در این مشارکت ترکیبی هریک از عوامل، متناسب با داشته‌ها و مزیت‌های خود ایفای نقش خواهند کرد.

این مشارکت «تحقیقی» از یک سو با گفتمان دورانی (جامعه مدنی) و فضای دورانی (تحرك و دستاورد کوچک‌ها و متوسط‌ها) همخوانی دارد و هم با پایان «دوران دولت تمام‌قد» و ضرورت ایفای نقش دولت به عنوان سیاستگذار، بسترساز و تسهیل‌گر، سازگار است. و مهم آن که به مشارکت آرمانی و همه‌جانبه مردم محلی و تولیدکنندگان محلی نیاز ندارد و حدی از مشارکت آن‌ها را می‌طلبد.

• وجه زیست:



در نگاهی گذرا به تاریخ توسعه سده اخیر خرمشهر و آبادان و بزنگاه‌های آن چنین درمی‌یابیم که بنای آغازین و نقطه عطف‌های توسعه دو شهر مشخصاً متأثر از شرایط و نیازهای بین‌المللی بوده است؛

○ خرمشهر

- بنای اولیه بندر خرمشهر با دوران «صدور کالا» در حیات اقتصادی سرمایه‌داری روبه‌گسترش اروپا در قرن نوزدهم میلادی، همزمان و مرتبط بوده است.
- تجهیز مرحله بعدی بندر و تبدیل آن به یک امکان بندرگاهی قابل قبول، با دوران «فروپاشی بازارهای ملی» در جهان و از جمله در ایران و «تسخیر بازارها» توسط اروپایی‌ها مقارن است.
- مرحله جدی‌تر توسعه و تجهیز بندر در دوران جنگ دوم بین‌الملل و حضور متفقین در ایران و نیاز مبرم آن‌ها به تخلیه بار نظامی و لجستیکی، صورت پذیرفته است.
- و بالاخره تجهیز و توسعه دهه‌های ۴۰ و ۵۰ ه.ش بندر در ارتباط با ایفای نقش ایران در نظام بین‌المللی به عنوان صادرکننده نفت و واردکننده انبوه کالا از غرب قرار داشته است.

○ آبادان

- ساخت پالایشگاه آبادان در ابتدای آخرین دهه سده ۱۲۰۰ ه.ش، با سال‌های آغازین قرن بیستم میلادی و دوران انتقال توجه اروپای سرمایه‌داری از سوخت ذغال سنگی به سوخت فسیلی و جایگزین کردن آن مقارن بوده است.
 - ارتقاء بسیار سریع توان تولید پالایشگاه آبادان در سال‌های پس از احداث، بر اساس نیاز مبرم مجتمع‌های بزرگ صنعتی انگلستان به سوخت کم‌بهای فسیلی، قابل تحلیل است.
 - تأسیس و گسترش «شرکت-شهر» بسیار بزرگ و مدرن آبادان توسط شرکت نفت ایران و انگلیس، مبتنی بر مدل جهان‌روای ایجاد «شرکت-شهرها» توسط قدرت‌های بزرگ اقتصادی غرب بوده است.
 - تبدیل پالایشگاه آبادان به بزرگترین پالایشگاه جهان، در ارتباط با نقش ایران در تقسیم کار بین‌المللی آن دوران، معنادار است.
- آن‌چنان‌که هویدا است سیر توسعه هر دو شهر از آغاز تا نیمه دهه ۵۰ ه.ش به طور عمده مبتنی بر نیازهای بین‌المللی بوده و به این اعتبار، منطقه دارای نوعی از زیست بین‌المللی بوده و در فضای جهانی تنفس می‌کرده است. گرچه اقتصاد ملی نیز از امکانات منطقه بهره می‌برده است.



از آن جا که منطقه مورد نظر، سه ربع قرن از حیات اقتصادی یک سده اخیر خود را در فضای بین المللی سرکرده است، با توجه به شرایط جغرافیایی-استراتژیک آن، در هر طراحی جدید می‌باید به اتصال آن به اقتصاد جهانی اندیشید اما بر خلاف آن سه ربع قرن یادشده، این بار از موضع تحقق «منافع ملی».

با عنایت به آن که هم اینک ضریب جهانی شدن اقتصاد و اتصال بازارها به یکدیگر، بسیار بالاتر از یک قرن قبل و حتی نیم قرن قبل است و زیست اقتصادی مستقل از جهان امکان پذیر نیست، در طراحی نو می‌باید ربط بندر خرمشهر و آبادان صاحب پالایشگاه و بندرگاه را با اقتصاد منطقه ای و بین المللی مشخص کرد. نقشی که در چارچوب منافع ملی و مرتبط با مدار کلان و بخشی اقتصاد ملی قرار داشته باشد. به این اعتبار در کارسپاری آمایشی و تعیین جایگاه مجدد منطقه می‌باید به «زیست ملی - بین المللی» منطقه بذل توجه کرد.

مبنای تئوریک دو وجهی؛

با دقت بر جوهره وجه «مشارکت» و وجه «زیست»، این گونه به نظر می رسد که احیای منطقه می‌باید

در روند مشارکت تحقیقی با فلسفه زیست ملی - بین المللی

صورت پذیرد.



• عنصر دوم

مدل احیاء

مدل احیاء پیشنهادی پژوهش که برتراویده از مبنای تئوریک دو وجهی «مشارکت تحقیقی با فلسفه زیست ملی - بین المللی» است، مدل «مطبق مشارکتی» است.

در ساختار هرمی مدل که در صفحه نمایش داده شده است، نیروهای مشارکت کننده در سه سطح

تحتانی

میانی

و فوقانی

ایفای نقش می‌کنند.

در سطح تحتانی که به منزله «پی» هرم است، به طور عمده دولت در حوزه

زیر بناسازی

و تسهیل‌گری

فعال است و اندیشه ورزی، طراحی و سیاست‌گذاری را با «مشارکت» دیگران به پیش می‌برد. (این

مشارکت در آینده مطالب توضیح داده خواهد شد)

در سطح میانی که به عنوان «بدنه اصلی» هرم است، تولید کنندگان محلی با اتکاء به

سرمایه متوسط

دانش

و تجربه

خود، تحرک دارند.

و در سطح فوقانی که «ایوان» بالا خانه بناست، نیروهای پشت بازار کار با دستمایه



انرژی

میل به آموزش

و میل به تحول

نقش به عهده می‌گیرند.

در مدل «مطبق مشارکتی» برای احیاء منطقه، برای نیروهای فعال هر «طبقه» از هرم، اهدافی تحقیقی در نظر گرفته شده است؛

✓ در سطح تحتانی، دستگاه‌های اجرایی به هدف ایجاد زیر ساخت‌های تولید و تجهیز و بسیج نیروهای تولیدی و مردم نائل خواهند آمد.

✓ در سطح میانی، نیروهای تولیدی، هدف ساخت و سازهای متوسط به بالا و ایجاد اشتغال متوسط به بالا را پی خواهند گرفت.

✓ در سطح فوقانی، نیروهای پشت بازار کار، هدف ساخت و سازهای کوچک و ایجاد اشتغال خرد را تعقیب خواهند کرد.

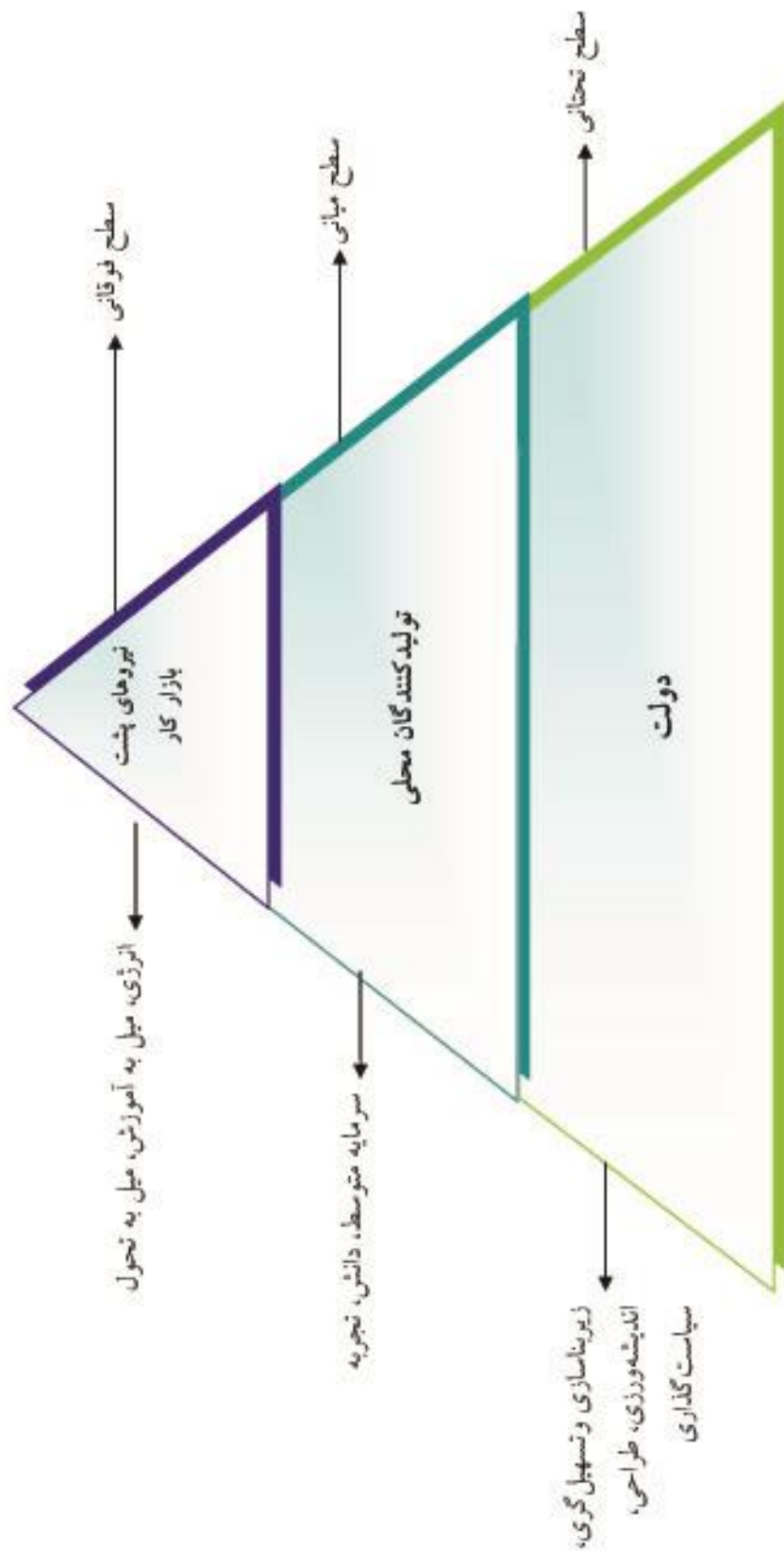
آن چه که در مدل مطبق مشارکتی حائز اهمیت و محور توجه قرار دارد، در این جوهره نهفته است؛

بستر سازی برای ایجاد کسب و پیشه های خرد و متوسط، بدون پشتوانه سطوح تحتانی و میانی، امری ذهنی است و چنان چه در سطوحی از منطقه مورد بررسی، کسب و پیشه‌های کوچک توسط نیروهای پشت بازارکار تأسیس شوند، تضمینی برای پایداری و استمرار حیات آن‌ها موجود نیست.



مدل احیاء

مدل مطبق مشارکتی:



• عنصر سوم؛

«ملزومات مدل»

آن چه که هر مدل را از روی کاغذ به «عرصه» منتقل کرده و اسباب تحقق آن را فراهم می آورد، ملزومات آن است. به طور قطع برای آن که در سطوح تحتانی، میانی و فوقانی مدل، «اتفاقی» رخ دهد و اتفاق های درون هرم به «اتفاق بزرگ» در منطقه نیازمند احیاء منجر شود، تمهیداتی می باید فراهم آید؛

• ملزومات سطح تحتانی

در سطح تحتانی هرم مدل به تأمین

هسته اندیشه ورز- طراح

حلقه کارساز

حلقه امکان آور

مدار مدیریتی

و مدار اعتباری

نیازی مبرم وجود دارد؛

○ هسته اندیشه ورز- طراح

از آن جا که حلقه مفقوده اصلی منطقه، نظریه و استراتژی است، در گام اول به هسته‌ای اندیشه ورز- طراح نیاز است. چنین پیشنهاد می شود که این هسته مرکب باشد از:

عناصر کیفی و پژوهنده دانشگاهی منطقه و استان

حلقه ای از مشاوران غیرمحلی آشنا با منطقه

تولیدکنندگان محلی صاحب درک و دانش

○ حلقه کار ساز

منطقه در کنار هسته ای برای اندیشه ورزی و طراحی، نیاز به حلقه‌ای کارساز دارد که در عمل، متولی پی گیر احیاء باشد. خاصه آن که منطقه بی متولی است و فاصله ای فاحش میان مرکز و محل وجود دارد. این هسته مرکب است از:

معتمدین محلی (خانواده شهدای نام دار)



کارگشایان خوزستانی (عناصری چون استاندار پیشین)

کارگشایان غیرخوزستانی

○ حلقه امکان آور

گرچه احیاء منطقه از ردیف بودجه های عام و خاص اعتباری برخوردار است و دستگاه های اجرایی محلی نیز در ابعادی مشغول فعالیت اند، اما برای آن که منطقه از وضع اسفناک کنونی به درآید و صاحب «آینده» شود، به یک حلقه امکان آور محتاج است. امکانی ورای امکانات موجود.

از آن جا که استان خوزستان منزلگاه قطب های نفت، فولاد، نیرو، بنادر و کشتیرانی و نیروی دریایی است و همین قطب ها (به استثناء فولاد) در منطقه نیز حضور جدی دارند، می باید از سرجمع آن ها یک **دولت محلی** به وجود آید. اجزای این دولت محلی با آورده های خویش اعم از اعتبار، تخصص، توان آموزشی و نیروی انسانی می توانند در احیای منطقه نقش به عهده گیرند. احیاء منطقه، از توان کنونی دستگاه های کلاسیک محلی خارج است.

○ مدار مدیریتی

در کنار هسته ها و حلقه های پیش یاد شده، به یک فرماندار مخیر و کارآ به عنوان مدیر محوری احیاء و نیز به گروه مدیریتی پایدار که با تغییر دولت ها، تغییر نیابد، نیاز است.

○ مدار اعتباری

از سرجمع امکانات نظام بانکی، ردیف اختصاصی اعتباری منطقه و همچنین اعتبارات سرریز از سوی دولت محلی، مدار اعتباری خاص احیاء شکل خواهد گرفت.

• ملزومات سطح میانی

در سطح میانی هرم می باید سه اتفاق رخ دهد:

تجهیز تولیدکنندگان محلی

تعبیه الگوی مدیریتی شبه دولتی

ایجاد تشکل های صنفی



○ تجهیز تولیدکنندگان محلی

تولیدکنندگان محلی برای ایفای نقش می باید تحت آموزش مدیریتی و کارآفرینی قرار گیرند، آورده های شان در چارچوب طراحی های کارآ اعم از طراحی صنعتی، طراحی کشاورزی و طراحی خدمات بندری معنا و مفهوم یابد و بالأخره از سوی نظام اعتباری به طور هدف دار حمایت شوند.

○ تعبیه الگوی مدیریتی شبه دولتی

با بهره گیری از توان مدیریتی درون و بیرون از استان می توان به هسته های مدیریتی شبه دولتی دست یافت که کار طراحی، بسترسازی، مشاوره و نیز توزیع امکانات به تولیدکنندگان محلی را عهده دار شوند. این تجربه هم اینک در منطقه در حال اجرا است.

○ ایجاد تشکل های صنفی

تولیدکنندگان محلی ضروری است تا تشکل های صنفی خود را به قصد پیشبرد سازمانی هویت و اهداف خویش، برپا کنند.

● ملزومات سطح فوقانی

در سطح فوقانی هرم ضروری است تا
آموزش و تجهیز نیروی بیکار
ایجاد صندوق اعتبارات خرد
تأسیس سازمان مشاغل کوچک
ایجاد نهادهای مدنی
سامان دهی خانه های محلی

انجام پذیرد:

○ آموزش و تجهیز نیروی بیکار

امکان سازمان فنی و حرفه ای در دو شهر، فرصت بسیار مساعدی برای آموزش نیروی کار غیرماهر است.

چنین پیشنهاد می شود که بخشی از دوران سربازی وظیفه جوانان منطقه به حضور در آموزش های سازمان فنی و حرفه ای اختصاص یابد. این مساعی



موجب تبدیل تدریجی انبوه بیکاران غیرماهر به نیروی کار ماهر خواهد شد.

همچنین ایجاد یک نهاد مشاور- مروج کارآفرینی برای تجهیز نیروهای پشت بازارکار، ضروری است.

○ ایجاد صندوق اعتبارات خرد

این صندوق در عمل حامی کسب و پیشه های خرد و متوسطی است که توسط نیروهای پشت بازارکار، سامان می یابند.

○ تأسیس سازمان مشاغل کوچک

این سازمان در نقش حامی تشکیلاتی کسب و پیشه های خرد و متوسط ظاهر خواهد شد.

○ ایجاد نهادهای مدنی

منطقه تهی از نهاد های مدنی است و ضروری است تا با مشارکت اهالی، صاحب نهاد شود.

ایجاد N.G.O ها در حوزه های محلی، شوراهای محلی، پاتوق های جوانان و در این حوزه قرار دارد.

○ سامان دهی خانه های محلی

با توجه به پیشینه طولانی منطقه در ورزش و خصوصاً رشته هایی چون فوتبال، شنا، واترپلو و کشتی فرنگی، تأسیس مدارس فوتبال، شنا و ... هویت محلی را به منطقه بازمی گرداند. در همین حال احداث خانه های سینما و تئاتر و اتاق قصه نیز مزایای فرهنگی پیشین منطقه را احیا خواهد کرد.

چنان که مشاهده می شود، مدل احیاء در اجزاء خود نیز مشارکتی است. به گونه ای که سه عنصر اصلی مدل شامل دولت، تولیدکنندگان محلی و نیروهای پشت بازارکار، در هر سه سطح تحتانی، میانی و فوقانی، رفت و آمد دارند. مهم آن که در سطح تحتانی نیز نیروهای فکری دانشگاهی و غیردانشگاهی و تولیدکنندگان کیفی محلی نیز ایفای هویت و نقش دارند.



پرسش‌های استراتژیک

در پی طرح توجهات استراتژیک و نیز با عنایت به تنگناهای کلان و بخشی منطقه، برای ره یافت نهایی در پرتو مدل احیاء، می‌باید به چند پرسش استراتژیک، پاسخی کارشناسی و درخور داد؛

پرسش اول- توسعه امروزین آبادان و خرمشهر، حول چه محوری می‌باید طراحی شود؟

- چنانچه بپذیریم مزیت‌های سنتی منطقه آسیب دیده است و توسعه آینده آن به مانند سه دهه قبل بر محور مزیت‌های پیشین امکان پذیر نیست، بدیل سازی محور توسعه چگونه باید انجام شود؟
- منطقه دارای مزایای نسبی دیگری هم هست؟
- مزیت سازی ترکیبی، میسر است؟

پرسش دوم- زیست ملی و بین‌المللی آبادان و خرمشهر چگونه قابل تحقق است؟

- خرمشهر به اعتبار بندر و حجم توان تخلیه کالاهای وارداتی و آبادان به اعتبار جایگاه و توان تولید پالایشگاه، هم از جایگاه و موقعیت نسبی در اقتصاد ملی برخوردار بوده‌اند و هم بویژه از مجاری اصلی اتصال اقتصاد داخلی به اقتصاد جهانی به حساب می‌آمده‌اند. هم‌اینک نسبت این دو شهر - با توجه به مزایا و فرصت‌های‌شان - با اقتصاد ملی و اقتصاد بین‌المللی، چگونه باید تعیین شود؟
- آیا دو شهر استعداد ایفای نقش ملی و بین‌المللی را دارا هستند؟

پرسش سوم- عناصر پایدار منطقه چیست؟

- به‌طور بدیهی تحولات تندآهنگ بین‌المللی سه دهه اخیر، وقوع جنگ و آثار و عوارض گسترده فیزیکی و غیرفیزیکی آن و بازسازی بدون استراتژی و با حرکت بطئی، شرایط دو شهر را نسبت به گذشته اساساً دگرگون کرده است. در این کشاکش عناصر پایدار قبلی به‌طور جدی آسیب دیده‌اند. عناصر پایدار برای طراحی‌های آتی کدامند؟



پاسخ‌های استراتژیک

برای ورود به تجویزهای پژوهش در پرتو مدل ارائه شده، به سه پرسش استراتژیک مطرح شده، به طور معکوس پاسخ داده می‌شود؛

• عناصر پایدار منطقه:

عناصر پایدار منطقه که تحولات دورانی سه دهه اخیر بر آن‌ها تأثیر نگذاشته و همچنان به عنوان عناصر قابل حساب برای هر طراحی نو، برقرارند در

- آب آزاد (آب‌های بین‌المللی)
 - آب روان (رودهای شریانی)
 - خاک مستعد
 - دمای بالا
 - نقاط اتصال جغرافیایی به کشورهای همجوار
- متجلی اند.

• محورهای توسعه‌ی امروزی منطقه:

با بذل توجه به عناصر پایدار منطقه، محورهای توسعه کنونی عبارتند از:

- بندر محدود
- کشاورزی اقلیمی
- خوشه‌های صنعتی
- صنایع پائین دستی قطب‌های صنعتی استان

• زیست ملی و بین‌المللی منطقه:

زیست نوین منطقه، معطوف به تحقق منافع ملی و اتصال به اقتصاد جهانی از طریق

بندرگاه‌های دو وجهی

بازار کالای دو وجهی

و پایگاه نفتی دو وجهی

رقم خواهد خورد.



فرصت‌های توسعه منطقه

شهرهای آبادان و خرمشهر به رغم

متحمل شدن آسیب‌های اساسی در دوران جنگ

از کف دادن مزایای پیشین

ناموفق بودن روند احیا و فقدان استراتژی بازسازی

بحران مدیریتی مبتلا به

و اتلاف زمان و سرمایه

هنوز از فرصت‌های جدی برای توسعه هدفدار بهره‌مندند. اهم فرصت‌ها می‌توانند

بدین گونه فهرست شوند:

۱- موقع جغرافیایی - استراتژیک

۲- حساسیت ملی - تاریخی

۳- حساسیت امنیتی

۴- بستر استانی

۵- فرهنگ صنعتی صد ساله

۶- فرهنگ تجاری صد ساله

۷- توده انسانی قابل آموزش

۸- نیروی تولیدی مستعد سازمان یافتگی

۹- محمل قانونی

۱۰- ردیف اعتباری اختصاصی

۱۱- دفتر اداری اختصاصی

۱۲- بازارهای همجوار



۱۳- منطقه آزاد اروند

۱- موقع جغرافیایی - استراتژیک

دسترسی دو شهر به آب های آزاد و همجواری با عراق و نزدیکی به کشورهای حاشیه خلیج فارس، موقعیت ویژه‌ای را برای آن ها رقم زده است.

۲- حساسیت ملی - تاریخی

جنبش پیروز ملی شدن سراسری صنعت نفت در آغاز دهه ۱۳۳۰ و در درون آن، پائین کشیده شدن تابلوی شرکت نفت ایران و انگلیس و پرچم انگلستان از سر در دفتر مرکزی شرکت در آبادان و بالا رفتن پرچم ملی ایران و تابلو شرکت ملی نفت ایران، نوعی عشق ملی در مورد آبادان را در میان ایرانیان برانگیخت.

منازعات دهه ۵۰ ایران و عراق بر سر مرزهای آبی و استفاده اعراب از واژه «شط العرب»، حساسیت ملی - تاریخی افکار عمومی ایران را مستقل از رژیم حاکم و ماهیت و گرایش‌های آن برانگیخت تا آنجا که کاربری واژه «اروندرو» همگانی شد. آن منازعه و حواشی سیاسی - اجتماعی آن، تعلق خاطر ملی به آبادان و خرمشهر را به سهم خود، فزونی بخشید. اما بس مهم تر، فراگیرتر و جدی تر از آن، مهر ملی است که پس از آزادی «خونین شهر» و نیز رفع محاصره آبادان در درون مردم ایران رسوخ کرد و به این دو شهر مکانی تاریخی و جاودانه بخشید.

در جریان شش دهه اخیر، رخدادهای زنجیره‌ای ملی شدن صنعت نفت و به احتراز درآمدن پرچم ملی ایران به جای پرچم انگلستان بر سر در شرکت ملی نفت ایران، چشم داشت عراق به مرزهای آبی در دهه ۵۰ و نهایتاً باز پس‌گیری خرمشهر و از محاصره به در آمدن آبادان، موقعیت ویژه ملی - تاریخی را نصیب منطقه ساخته است که می‌تواند به جای یادواره‌های یک سال یکبار و برانگیختن عاطفه‌های صرف و گذرا، ظرفیت های بسیار جدی عرصه ملی را به منطقه سر ریز کند.

۳- حساسیت امنیتی

واقع بودن دو شهر در نقطه صفر مرزی، حساسیتی امنیتی بر منطقه بار کرده است. خصوصاً با سلسله رخدادهای سه دهه اخیر و وضعیت کنونی عراق و اشغال آن از سوی ایالات متحده و متحدینش. این حساسیت بار شده بر منطقه می‌تواند دو لبه عمل کند؛ هم به محافظه کاری و



کاهش ریسک پذیری بیانجامد و هم به تخصیص‌های چند جانبه به منطقه برای به سامان کردن و رونق بخشیدن به آن.

۴- بستر استانی

استان خوزستان را می‌توان غنی‌ترین استان کشور به حساب آورد. نگاهی گذرا به امکانات موجود در درون این استان، بر کار بری عنوان **غنی‌ترین استان** صحنه می‌گذارد؛

• جغرافیای استراتژیک: ارتباط با آب‌های آزاد بین‌المللی، متصل به منطقه و جهان و قرار داشتن در نقطه صفر مرزی

- امکانات بندری: ۳ بندر گاه اصلی، ۴ گمرک فعال
 - آب‌های جاری: ۴ جریان شریانی؛ کارون، اروندر، بهمنشیر و، کرخه
 - آب‌بند: عظیم‌ترین سدهای کشور
 - منابع خاک: بسیط، مستعد با خصلت کشت چند نوبتی
 - بسیط مقیاس: در برگیرنده ۹ واحد بزرگ کشت و صنعت (با صنایع وابسته)
 - انبارآیزی: دارای بستر طبیعی و بستر پرورشی
 - میزبان قطب صنعتی: فولاد، نیرو، نفت و مشتقات و بنادر و کشتیرانی
- استان اول در سهم ارزش افزوده صنعتی به ارزش افزوده کل در برنامه سوم توسعه با میانگین برنامه ای ۵/۷۶٪

استان دوم در تولید ارزش افزوده صنعتی در طول برنامه سوم توسعه

- میزبان نفت: مناطق نفت خیز، پالایشگاه، پتروشیمی
- امکانات ارتباطی شامل:

۲ فرودگاه بین‌المللی، ۶ فرودگاه فعال

نقطه پایان خط آهن سراسری

خطوط زمینی

مسیر سفر دریایی

- میزبان نیروی فنی: کارکنان میدانی صنایع نفت و مشتقات، فولاد، نیرو، صیادی
- میزبان ویژه: منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی بندر امام و منطقه آزاد اروندر
- ورزش خیز: فوتبال، شنا، واترپلو، بوکس، کشتی فرنگی

۵- توده انسانی قابل آموزش

جمعیت نسبتاً جوان دو شهر، توده انسانی جوانی را به عنوان سرمایه توسعه، پیش روی قرار



می‌دهد. آموزش و تجهیز این توده، آن را به عنوان سرمایه اجتماعی بس قابل حساب، مطرح می‌کند. وجود دو مرکز فنی و حرفه ای فعال در دو شهر که مجموعاً حدود ۹۰۰ جوان را در چندین رشته مورد آموزش قرار داده اند، شاخص نسبی مناسبی برای امکان تسری آموزش و تبدیل توده بدون مهارت به توده ماهر، به حساب می‌آید.

۶- نیروی تولیدی مستعد سازمان یافتگی

نیروی تولیدی نوپدید در منطقه که در واحدهای صنعتی جدید و مزارع نواحداث کشت و زرع و آبیاری پروری، جلوه گر شده اند از چند ویژگی عام برخوردارند؛ درک نسبی تولیدی، شناخت نسبی بازار، درک ضرورت آموزش و پژوهش و سازمان کار با نظم متوسط. اینچنین نیروی تولیدی، به رغم برخی ضعف های درونی خود، استعداد سازمان یافتگی و حرکت روان تر در مسیر تولید را داراست.

۷- فرهنگ صنعتی صد ساله

آبادان از فرهنگ غنی صنعتی صد ساله برخوردار است که می تواند پشتوانه روند صنایع نو پا و آتی به حساب آید.

۸- فرهنگ تجاری صد ساله

بهره مندی خرمشهر از فرهنگ تجاری صد ساله، امکان تاریخی مناسبی برای رونق مجدد بندر خرمشهر محسوب می‌شود.

۹-محمل قانونی

مصوبه ۱۱ اسفند ۱۳۸۲ هیئت وزیران که طی ۱۵ بند، دستگاه های مختلف اجرایی را به تحرک فیزیکی و امکان آفرینی در شهرهای آبادان و خرمشهر مکلف می کند و همچنین «سند ملی توسعه استان خوزستان» در چارچوب برنامه چهارم، محمل های قانونی آماده برای تخصیص امکانات به منطقه‌اند.

۱۰-ردیف اعتباری اختصاصی

در پی انتشار رسمی مصوبه هیئت وزیران در اسفند ماه ۱۳۸۲، ردیف اختصاصی تأمین



هزینه‌های بازسازی آبادان و خرمشهر به میزان سالانه ۲۵۰ میلیارد ریال از آغاز سال ۱۳۸۳ گشایش یافت. میزان اعتبار مندرج در ردیف اختصاصی نوگشوده که در سال‌های ۸۳ و ۸۴ هزینه شده و در سال جاری نیز صورت هزینه‌های خاص خود را اعلام می‌دارد، امکان اعتباری ویژه‌ای برای ساخت و ساز توسعه‌ای در منطقه است. از دیگرسو، اعتبارات مختص به منطقه آزاد اروند نیز، در عمل در همین منطقه هزینه خواهد شد.

۱۱- دفتر اداری اختصاصی

در سال ۱۳۷۹ بنا به ضرورت تمرکز اداری برای پیگیری امور بازسازی آبادان و خرمشهر، «دفتر پیگیری اجرای طرح‌های توسعه‌ای شهرهای خرمشهر و آبادان» تأسیس شد. این دفتر که در دولت پیشین، تحت نظارت وزارت بازرگانی وقت قرار داشت، دفتر اداری اختصاصی منطقه قلمداد می‌شود. گرچه در یک ساله گذشته، کمتر فعال بوده است.

۱۲- بازارهای همجوار

همجواری با بازار پرتقاضای عراق و نیز بازارهای حوزه خلیج فارس، امکانی استراتژیک برای تبادل تجاری منطقه با پیرامون نزدیک دست خود به حساب می‌آید. این همجواری فرصت ویژه‌ای برای جهت‌گیری صادراتی تولیدکنندگان محلی اعم از تولیدکنندگان صنعتی و کشاورزی است.

۱۳- منطقه آزاد اروند

گرچه منطقه آزاد اروند جز تأسیس دفتر مرکزی، انتشار کتابچه‌های تبلیغاتی و اقدام برای به سازی بلوار آبادان، تا کنون بروز و ظهوری نداشته است، اما در صورت فعال شدن با چشم انداز تحویل منافع ملی، بستری برای رونق منطقه محسوب می‌شود.



محورهای توسعه امروزین



محورهای توسعه امروزین منطقه

منطقه در روند احیاء را می‌توان حول چهار محور

بندر محدود

کشاورزی اقلیمی

خوشه‌های صنعتی

و صنایع پائین دستی قطب‌های صنعتی استان

سامان داد. این محورها، برخی به عنوان مزیت‌های تصحیح شده قبلی و برخی مزیت‌های جدید محسوب می‌شوند.



بندر محدود



بندر محدود

با در نظر داشتن مزیت سنتی منطقه حول بندر خرمشهر در درجه اول و بندر آبادان در درجه دوم و با ضرایب اهمیت متفاوت، می‌توان دو امکان بندرگاهی را با هدف گذاری

مشخص

محدود

و تحقیقی

سامان دهی کرد.

۱- بندر خرمشهر

از آن جا که ایران متصل به سرزمین اصلی آسیای میانه است و بندر خرمشهر به عنوان نقطه اتصال به آب های آزاد، کوتاه ترین راه زمینی به کشورهای آسیای میانه محسوب می‌شود، این امر، امتیاز استراتژیکی نصیب خرمشهر می‌کند.

بندر خرمشهر هم اینک از یک امتیاز محلی نیز برخوردار است؛ کشور همجوار عراق با توجه به آشفتگی‌ها و نابسامانی‌های داخلی خود، با مشکل جدی تخلیه بار مواجه است. آن گونه، که فشار تخلیه بار به طور مشخص به بندر ام‌القصر وارد می‌شود، به طوری که شناورها از مبدأ دبی به مقصد ام‌القصر مدت ۲۰ روز در نوبت تخلیه در انتظار به سر می‌برند و دموراژ نیز دریافت نمی‌کنند. در این شرایط، بندر خرمشهر از مزیت ترانزیتی بهره‌مند است مشروط بر آن که از عوامل مدیریتی و دیپلماتیک پشتیبان، برخوردار شود.

در همین حال، تنگناهای موجود بندر را می‌توان در ۳ محور مورد دقت قرار داد:

○ رونق کاذب و وابسته به معافیت ۲۰٪

هم اکنون ۱۰ هزار نفر شاغل در فعالیت های بندری و مجموعاً بیش از ۴۰ هزار نفر ارتزاق کننده از آن، حدود ۳۰۰ دفتر بازرگانی در منطقه، ناوگان سبک درون شهری، ناوگان باربری بیرون شهری، بیمه گران و خدمت رسانان پیرامونی بندر، هم پیوند با این رونق موقت اند.

○ لایروبی نشدن اروندرود و تردد شناورهای با ظرفیت پائین



○ رسوب نکردن کالای وارداتی در بازار محلی شهر

در چنین وضعیتی می‌توان با تخصیص بخشی از بار وارداتی کل کشور به بندر خرمشهر، این بندر جایگاه تنزل یافته را رونق بخشید. شیفت میزان مشخصی از بار دیگر بنادر کشور به بندر خرمشهر که به مقصد شهرهای نزدیک تر به این بندر بارگیری می‌شود، می‌تواند در چارچوب این تخصیص، انجام پذیرد. به عبارتی آن میزان از باری که در مبادی وارداتی کشور تخلیه و به مقصد شهرهایی نزدیک به خرمشهر بارگیری می‌شود، می‌تواند در این بندرگاه تخلیه شود. شایان توجه است که هر یک میلیون تن بار وارداتی چنانچه بر کامیون های ۲۰ تنی، بار شود به ۱۳۷ ترافیک روز منجر می‌شود؛

(روز) (کامیون) (ظرفیت کامیون)

$$\text{ترافیک روز } ۱۳۷ = ۳۶۵ \div ۵۰/۰۰۰ = ۲۰ \text{ تن} \div ۱ \text{ میلیون تن بار}$$

بدین ترتیب هر یک میلیون تن بار تخلیه شده در طول یک سال در یک بندرگاه، به بارگیری روزانه ۱۳۷ کامیون در همان بندر می‌انجامد. چنین امکانی به طور طبیعی به ایجاد زنجیره‌ای از خدمات بانکی، بیمه‌ای، گمرکی، بندری، ناوبری بین شهری و خدمات جانبی، کمک می‌کند. اگر خرمشهر از این امکان برخوردار شود و درصدی از بار وارداتی از بندر نیز در بازار شهر رسوب کند، به عنوان یک بندرگاه درجه دوم وارداتی کشور از رونق متناسب برخوردار شده و بازار محلی اش نیز از این طریق تقویت خواهد شد.

تخصیص درصدی از بار وارداتی کشور به بندر خرمشهر، نوعاً یک تصمیم سیاسی - استراتژیک است و در سطح کلان اتخاذ می‌شود. بندری چون بندر هامبورگ که بخشی از بار اروپا از طریق دهانه عبوری استراتژیک بندر روتردام را با شناورهای رودخانه‌ای، تخلیه می‌کند، می‌تواند به عنوان مدلی برای خرمشهر تلقی شود. خرمشهری که هم اینک پذیرای شناورهای با ظرفیت محدود است.

۲- بندر آبادان

آبادان در حال حاضر بندرگاهی است خرد مقیاس. به این اعتبار که؛

بندری است کمتر مجهز، با محوطه محدود و امکانات انبارداری محدود

محل فعالیت تجار خرد

و ایجاد کننده اشتغال محدود

چنانچه احداث اسکله جدید ۵۰/۰۰۰ تنی در حال ساخت در بندر آبادان به پایان رسد و از سویی اداره بنادر و کشتیرانی آبادان بتواند از اسکله های متروکه شرکت نفت و نیز از برخی فضاهای مسقف متروکه به عنوان انبار استفاده کند، آبادان می‌تواند به عنوان یک بندر رده سوم کشوری، وظائف مشخصی را عهده دار شود؛



- بندر آبادان در حد فاصل سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۷، تخلیه گاه ترانزیتی اتومبیل‌هایی بوده است که از کویت به مقصد کشورهای آسیای میانه ارسال می‌شده‌اند. از آنجا که بندر آبادان فاقد تجهیزات لازم برای بارگیری بدون آسیب بوده است، اتومبیل‌ها هنگام بارگیری، آسیب می‌دیده‌اند و پس از چندی تجار آسیای میانه از بندر آبادان صرف‌نظر کرده و به رغم مسافت و هزینه بیشتر، از بندر ترکیه اقدام به ترخیص اتومبیل‌ها می‌کرده‌اند. بندر آبادان در صورت تجهیز می‌تواند به عنوان یک بندر ترانزیتی در همان زمینه و زمینه‌های دیگر، ایفای نقش کند.
- این بندر با توجه به تجارب پیشین می‌تواند به بندر صادراتی میوه و تره بار به مقصد کشورهای حوزه خلیج فارس مبدل شود. خاصه آن که این کشورها طالب میوه و تره بار تازه و بی آسیب‌اند و آبادان نیز کوتاه‌ترین راه به کویت به حساب می‌آید.
- آبادان همچنین می‌تواند به بندرگاه مسافرتی ویژه تبدیل شود. به خصوص آن که از امکاناتی چون هتلینگ، فرودگاه و راه آهن خرمشهر نیز برخوردار است. این بندر با قدری سامان‌دهی می‌تواند سرپل مسافرتی به کویت و شیخ نشین‌ها و بالعکس، قرار گیرد.

فرصت‌ها، امکانات، نیازها

بازار پر تقاضا، متنوع و بدون سازمان عراق در کنار بازار سازمان یافته کشورهای حوزه خلیج فارس، مناسبترین فرصت برای رونق بندر محدود برای شهرهای آبادان و خرمشهر است. امکاناتی چون؛

تجربه و فرهنگ صدساله تجاری منطقه

توان سازمان‌دهی محلی در حوزه بازرگانی و حق‌العمل کاری

و دانش دیرینه خدمات بندری

در کنار مشکلات موجود دیپلماتیک- تجاری میان عراق و کویت، به طور جدی می‌تواند کمک کار ایجاد بندر محدود تلقی شود.

سامان‌دهی بندر محدود با استفاده از امکانات بندرگاهی تعریف شده آبادان و خرمشهر، نیازمند

حضور بانک تخصصی حامی در منطقه

تأسیس نمایندگی‌های تجاری در عراق و کشورهای حوزه خلیج فارس

ایجاد مرکز اطلاعات بازار

سامان‌دهی بازار مرزی شلمچه

و ایجاد کارگروه توسعه صادرات در منطقه است.



در همسایگی بندر محدود

پژوهش در همسایگی بندر محدود، حامل دو پیشنهاد است:

۱- ایجاد مدار IT

با بهره‌گیری از تیزهوشان منطقه، کارکنان جوان و کیفی شرکت‌های تجاری محلی و دانشجویان کیفی دوره‌های آموزش کارآفرینی توسط خانه پژوهش نواندیش در آبادان و خرمشهر، می‌توان یک مدار اطلاعات بازار به وجود آورد. صنعتگران و تجار محلی ضمن اعلام نیاز نسبت به اطلاعات بازار عراق و کشورهای حوزه خلیج فارس، حاضر به پرداخت بهای اطلاعات این مدار هستند. محل توجه است که اتاق بازرگانی آبادان با استقبال از پیشنهاد ایجاد مدار IT، حاضر به در اختیار گذاشتن یک واحد اداری و ۵ سیستم کامپیوتر به قصد کمک به شکل‌گیری آن است.

۲- تأسیس مدرسه توسعه تجارت در کشورهای عربی در آبادان و خرمشهر

با توجه به سه مزیت رواج داشتن زبان عربی در آبادان و خرمشهر، فرهنگ و تجربه یک صدساله تجاری و نیز همجواری با کشورهای عرب زبان، تأسیس مدرسه توسعه تجارت در کشورهای عربی در آبادان و خرمشهر امکان‌مفیدی برای تثبیت موقع و جایگاه ایران در بازار کشورهای عرب زبان خصوصاً کشورهای همجوار خواهد بود.



کشاورزی اقلیمی



کشاورزی اقلیمی

آب روان، خاک مستعد و دمای بالا، همچنان که عنوان شد از عناصر پایدار منطقه محسوب می‌شوند. این عناصر پایدار، بخش کشاورزی در منطقه را صاحب «مزیت» می‌کند. بخش کشاورزی با بهره‌مندی از این عناصر در زیر بخش‌های

زراعت

باغداری

و شیلات

می‌تواند به رونق اقتصادی منطقه یاری برساند.

از نقطه نظر صاحب نظران و کارشناسان منطقه، کشت صیفی جات و یونجه در زیر بخش زراعت از مزیت برخوردار است.

مزیت در زیر بخش باغداری به طور مشخص در حوزه نخیلات با پیشینه بسیار طولانی، تجلی می‌یابد و همچنین است زیر بخش شیلات که در دو حوزه صید و آبزی پروری، از مزیت بهره‌مند است.

زیر بخش شیلات در کشاورزی اقلیمی منطقه چنانچه از نابسامانی موجود به درآید، نقطه اتکاء درخورتوجهی برای اقتصاد منطقه خواهد بود. نمای عمومی زیربخش شیلات کشور که در جدول شماره ۲ هویدا است، از مناظر مختلف گویای روبه رشد بودن آن در طول دهه ۱۳۸۲-۱۳۷۲ و جایگاه ویژه ظرفیت‌های جنوب در تمامیت آن است؛

در شرایطی که میزان کل صید آب‌های کشور از ۳۲۷۴۶۸ تن در سال ۷۲ به ۳۳۱۶۶۱ تن در سال ۸۲ افزایش یافته است، ۹۰ درصد از کل میزان صید در سال ۸۲ از آب‌های جنوب تحصیل شده است. در این میان آبزی پروری از آهنگ رشد سریع‌تری برخوردار است به گونه‌ای که در طول دهه مورد بحث، ۲۵۰ درصد رشد نشان می‌دهد. مهم‌تر آن که میزان ماهی‌گرمایی پرورشی تحصیل شده، از آهنگ رشد بالاتری از کل آبزی پروری برخوردار است و رشد آن به سطح ۲۹۰ درصد می‌رسد و بیش از نیمی از میزان آبزیان پرورشی کشور را به خود اختصاص می‌دهد.

همچنین ارزش کل صادرات محصولات شیلاتی جنوب نسبت به ارزش کل صادرات محصولات شیلاتی کشور حدود ۶۰ درصد در سال ۸۲، رقم خورده است و نسبت ارزش افزوده شیلات آب‌های جنوب به کل ارزش افزوده زیر بخش شیلات کشور نیز در سطح ۳۷ درصد قرار دارد.

در کنار آمارهای نشانگر جایگاه جنوب در کل شیلات کشور، روند سرمایه‌گذاری در شیلات و نیز میزان سرمایه‌گذاری از محل خصوصی به همراه میزان تولید بچه ماهی و بچه میگو، تعداد و مساحت مزارع پرورش میگو و ماهی و تعداد واحدهای صنایع شیلاتی در کشور رو به رشد بوده و در ورای



آن‌ها، میزان عرضه سرانه آبی نیز از ۵/۴ کیلوگرم در سال ۷۲ به ۶ کیلوگرم در سال ۸۲ بالغ شده و رشد ۱۳۳ درصدی را به نمایش می‌گذارد.

روندهای کلان در زیر بخش شیلات و روند های منطقه جنوب، پشتیبان مناسبی برای شکل‌گیری خوشه صنعتی آبی در منطقه به حساب می‌آیند.

ضمن آن که در حوزه های نخیلات و شیلات در مراحل پس از تولید، امکان طراحی خوشه های صنعتی به قصد فرآوری های متنوع وجود دارد. در کنار امکان طراحی خوشه های صنعتی خرما و آبی، با توجه به نزدیکی مسافت میان مرکز کشت نیشکر خوزستان با منطقه مورد بحث، طراحی خوشه صنعتی نیشکر نیز میسر خواهد بود.

برای آن که کشاورزی منطقه از مزایای خود استفاده به عمل آورد، چنین پیشنهاد می‌شود که؛

نظام های مدیریتی شبه دولتی برای بسترسازی شامل مهندسی اراضی و آبیاری،
تحویل اراضی آماده شده به تولید کنندگان، ارائه مشاوره فنی به تولید کنندگان و
نظارت و هدایت عام بر روند تولید، توسط گروه های کارشناس- طراح غیر دولتی
در منطقه بوجود آید.

شایان توجه است که هم اکنون یک مورد از مدل نظام مدیریتی شبه دولتی در منطقه به مورد اجرا گذاشته شده است.

از دیگر سو ایجاد نهادهای صنفی در حوزه کشاورزی همچون انجمن صنفی کشاورزان، باغداران، صیادان، آبی پروران و ... به ارتقاء کیفیت بخش و بسامان شدن آن، کمک خواهد کرد.



جدول شماره ۲

نمای عمومی زیر بخش شیلات کشور در دهه ۱۳۸۲-۱۳۷۲

ردیف	عنوان	واحد	۱۳۷۲	۱۳۸۲	توجهات
۱	میزان کل صید آبهای کشور	تن	۳۲۷۴۶۸	۳۳۱۶۶۱	نسبت میزان صید در آبهای
	میزان صید در آبهای جنوب	تن	۲۷۲۰۰۰	۲۹۹۱۲۸	جنوب به کل صید سال ۱۳۸۲: ۹۰٪
۲	میزان آبی پروری	تن	۴۴۱۲۰	۱۱۰۱۷۵	درصد رشد دهه ۲۵٪
	میزان ماهی گرمابی پرورشی	تن	۲۱۰۳۰	۶۱۰۸۴	درصد رشد دهه ۲۹٪
	میزان میگوی پرورشی	تن	۰	۷۴۹۲	
۳	میزان سرمایه گذاری در بخش شیلات	میلیون ریال	۱۰۹۹۰۶	(۱۳۸۱)۹۶۴۳۲۶	درصد رشد دهه ۸۷٪
	میزان سرمایه گذاری از محل خصوصی	میلیون ریال	۲۶۴۲۹	(۱۳۸۱)۷۶۹۳۴	درصد رشد دهه ۲۹٪
۴	ارزش کل صادرات محصولات شیلاتی	هزار دلار	۴۴۷۹۶	۸۷۴۳۲	نسبت ارزش صادرات محصولات شیلاتی
	ارزش کل صادرات محصولات شیلاتی جنوب	هزار دلار	۱۲۳۷۲	۵۱۳۲۷	جنوب به کل صادرات در سال ۱۳۸۲: ۵۹٪
۵	ارزش افزوده زیر بخش شیلات	میلیون ریال	۴۷۵۶۲۳	(۱۳۸۱)۱۷۰۷۶۵۵	نسبت ارزش افزوده شیلات آبهای جنوب به کل ارزش افزوده زیر بخش
	ارزش افزوده شیلات آبهای جنوب	میلیون ریال	۳۰۶۹۰۳	(۱۳۸۱)۶۳۰۷۸۵	شیلات در سال ۱۳۸۱: ۳۷٪
۶	میزان تولید بچه ماهی	هزار قطعه	۱۹۱۹۶۴	۵۰۷۱۵۵	درصد رشد دهه ۲۴٪
	میزان تولید بچه میگو	هزار قطعه	۰	۷۶۴۳۰۰	



ادامه جدول شماره ۲

۷	تعداد مزارع فعال ماهی گرمابی پرورشی	۲۴۴۰	۴۰۲۶	درصد رشد دهه ٪۱۶۵
	تعداد مزارع فعال میگوی پرورشی	۸	۲۵۰	درصد رشد دهه ٪۳۱۲۵
	مساحت مزارع ماهی گرمابی پرورشی	۷۰۹۵ هکتار	۲۲۳۲۳/۵	درصد رشد دهه ٪۳۱۴۶
	مساحت مزارع میگوی پرورشی	۳۲/۷ هکتار	۳۵۱۹	درصد رشد دهه ٪۱۰۹۷۶
۸	میزان عرضه سرانه انواع آبزی	۴/۵ کیلوگرم	۶	درصد رشد دهه ٪۱۳۳
۹	تعداد واحدهای صنایع شیلاتی			
	کارخانه یخ سازی	۹۴	(۱۳۸۱)۱۷۹	
	کارخانه کنسروسازی	۲۶	(۱۳۸۱)۱۰۲	
	کارخانه پودر ماهی	۱۳	(۱۳۸۱)۴۷	
	سردخانه نوار ساحلی	۳۵	(۱۳۸۱)۱۱۲	
	واحد انجماد	۳۵	(۱۳۸۱)۹۴	

ماخذ: جدول از اطلاعات موجود در سایت شیلات ساخته شده <http://www.iransheries.net>

است



خوشه های صنعتی



خوشه های صنعتی

در جریان سه دهه اخیر، در ادبیات اقتصاد صنعتی، موضوع خوشه ها اهمیت ویژه ای یافته است. خوشه، به تولیدات پیشینی و تولیدات پسینی حول یک محصول محوری اتلاق می شود. به عبارتی، سامان زنجیره ای از تولیدات بر محور یک تولید مشخص.

تجربه سازماندهی خوشه‌ای، هم در کشورهای صنعتی درجه اول همچون امریکا و ایتالیا و هم در طیفی از کشورهای در مسیر توسعه صنعتی به مانند مکزیک، قابل مشاهده است.

در ادبیات اقتصاد صنعتی، ایجاد خوشه ها بر

تقسیم کار تخصصی

همکاری بین صنایع

شبکه تشکیلاتی قادر به هم افزایی

مبتنی بوده و به اشتغال زایی زنجیره ای و ارتقاء توان رقابتی منجر می شود.

در تجربه کشورهای صنعتی و کشورهای در مسیر صنعتی شدن، ایجاد خوشه صنعتی نیازمند

منطقه مناسب و مستعد

بستر و زیرساخت های لازم

سازماندهی شبکه ای

پیوندهای افقی میان صنایع

زمینه های اجتماعی و فرهنگی مشترک

و نظام حمایتی متشکل از نهادهای عمومی و خصوصی

است. براین اساس در منطقه مشترک آبادان و خرمشهر با توجه به

وجود صنایع خرد و متوسط

تولیدکنندگان بومی

و فرهنگ مشترک

امکان پایه ریزی و سامان دهی چند خوشه، حول چند محصول محوری وجود دارد:

خوشه خرما. خوشه آبرزی و خوشه نیشکر



خوشه خرما



خوشه خرما

مدید مدتی پیش از آن که آبادان با برج های پالایشگاه و خرمشهر با جراثقال های مرتفع بندرگاه شناخته شوند، هر دو شهر و حواشی آن با نخل های انبوه بلند بالا در ذهن متبادر می شدند. مجموعه نخیلات این منطقه و دیگر مناطق نخل خیز خوزستان، این استان را در میان دیگر استان های نخل خیز همچون کرمان، سیستان و بلوچستان، بوشهر و هرمزگان در جایگاهی رفیع تر قرار می داد. این جایگاه رفیع و شاخص تا پیش از آغاز جنگ نیز پایدار بود، آن گونه که در سال ۱۳۵۸ از مجموع ۵۴،۳۱۹ تن خرما صادراتی کشور، میزان ۴۷،۱۷۴ تن معادل ۸۷ درصد، سهم خوزستان بود. اما وقوع جنگ و سلسله پی آمدهای آن، خوزستان را از موقعیت پیشین به زیر کشید. تا آنجا که در سال ۸۴ از مجموع ۰۰۰/۱۱۹ تن خرما صادراتی، سهم خوزستان تنها ۲۱ درصد، معادل ۲۴۰۰۰ تن است. در همین حال جایگاه خرما ایران نیز در بازارهای بین المللی متزلزل شده و استحکام سال های قبل از جنگ را فاقد است.

جدول شماره ۳ که میزان کل تولید خرما در جهان در سال ۲۰۰۵ را به تفکیک سهم کشورهای اصلی تولیدکننده، نمایان می سازد، گویای آن است که ایران با سطح کشت ۱۸۵ هزار تن (رتبه دوم پس از مصر)، عملکرد بسیار نازل ۴۷۵۷ کیلوگرم در هکتار را برجای گذاشته است. حال آن که مصر تنها با دارا بودن ۳۰ هزار هکتار سطح زیر کشت با تولید ۱/۱۰۰ هزار تن و عملکرد ۳۷۱۶۲ کیلو در هکتار، مکان نخست را در تولید و عملکرد تصاحب کرده است.

در این شرایط، مطابق اطلاعات مندرج در جدول شماره ۴، سهم ایران در بازارهای صادراتی به رغم دارا بودن بالاترین میزان سطح زیر کشت پس از امارات متحده عربی (تنها با هزار هکتار تفاوت)، تنها ۱۶/۵ درصد کل است. حال آنکه سهم امارات ۵۱/۸ درصد رقم خورده است. مهم تر آن که بهای هر تن خرما صادراتی ایران تنها ۲۳۹ دلار در تن است که نازل ترین قیمت پس از بهای خرما صادراتی عراق به حساب می آید. شایان توجه است که تفاوت بهای هر تن خرما صادراتی ایران با کشورهای مشابه و همپراز همچون امارات، پاکستان، تونس، عربستان، عمان و الجزایر به ترتیب ۶۸، ۷۶، ۱۳۲۲، ۳۴۷، ۱۴۸ و ۱۰۹۱ دلار است.

اعداد و ارقام مورد مقایسه حاکی از

آشفته‌گی سازمان تولید خرما

غیر علمی بودن تولید

و نابسامانی سازمان صادرات خرما



در ایران است.

جدول شماره ۳
تولید خرما در جهان و ایران
۱۳۸۴-۲۰۰۵

کشور	سطح زیر کشت (هزار هکتار)	رتبه	تولید (هزار تن)	رتبه	عملکرد (کیلوگرم)	رتبه
امارات متحده عربی	۱۸۶	۱	۷۶۰	۴	۴۰۸۶	۱۷
ایران	۱۸۵	۲	۸۸۰	۲	۴۷۵۷	۱۴
عربستان	۱۴۰	۳	۸۳۰	۳	۵۹۲۹	۱۲
پاکستان	۸۰	۵	۶۵۰	۵	۸۱۲۵	۹
تونس	۴۰	۷	۱۱۰	۱۱	۲۷۵۰۰	۲۵
مصر	۳۰	۱۰	۱۱۰۰	۱	۳۷۱۶۲	۱
جهان	۱۱۶۱	-	۶۷۷۲	-	۵۸۳۱	-

مآخذ: سازمان جهاد کشاورزی استان خوزستان



جدول شماره ۴

سطح زیر کشت خرما و مقایسه آن با تولید

۱۳۸۴-۲۰۰۵

کشور	صادرات (هزار تن)	قیمت هر تن خرمای صادراتی (تن)	سهم از صادرات جهان (درصد)
امارات متحده عربی	۳۷۵	۳۰۷	۵۱/۸
ایران	۱۱۹	۲۳۹	۱۶/۵
پاکستان	۶۹	۳۳۵	۹/۵
تونس	۴۷	۱۵۶۱	۶/۵
عربستان سعودی	۳۲	۵۸۶	۴/۵
عراق	۳۰	۱۶۷	۱/۴
عمان	۱۳	۳۸۷	۱/۷
فرانسه	۸	۱۸۷۸	۱/۱
الجزایر	۸	۱۳۳۰	۱
امریکا	۴	۲۸۷۰	۰/۶
جهان	۷۲۴	۴۵۶	۱۰

مآخذ: سازمان جهاد کشاورزی استان خوزستان



«مشکلات و تنگناهای خرما در عرصه ملی»

هم اینک؛

• روش داشت و برداشت سنتی

به کارگیری روش سنتی و ابتدایی برداشت که باتکان شدید شاخه همراه و به محصول صدمه می‌زند. به علاوه استفاده از سبدهای دارای خاصیت ارتجاعی که باعث له شدن محصول و افت کیفیت آن می‌شود.

• نظام انبارداری نامناسب

سازه و دمای نامناسب انبارها که منجر به افت شدید کیفیت محصول می‌شود.

• نرخ ضایعات بسیار بالا

از مجموع ۹۰۰ هزار تن خرمای تولیدی ایران، ۵۰۰ هزار تن به مصرف داخلی می‌رسد، ۱۲۰ هزار تن صادر و در عمل ۲۸۰ هزار تن ضایع می‌شود.

• بسته بندی نازل

مطابق آنچه عنوان می‌شود تنها ۲ درصد محصول خرمای ایران دارای بسته بندی استاندارد است و ۹۸ درصد آن به صورت فله ای در گونی، کارتن و حلب های ۱۰ تا ۲۰ کیلوگرمی بسته بندی می‌شود. در مواردی خرمای صادراتی در کارتن کفش و بدون درج نام محصول به روی محموله، صادر شده است.



• فقدان سازمان برای روند فرآوری

• سازمان تبلیغات ناکارآ و بازاریابی ابتدایی

• حضور سازمان نیافته در بازارهای صادراتی

به عنوان اصلی ترین مشکلات خرما در عرصه کلان و ملی به حساب می آیند. این کاستی ها به طور طبیعی، آثار خود را بر اقتصاد نخیلات منطقه نیز بر جای گذاشته است. اما منطقه نیز مشکلات و تنگناهای خاص خود را داراست.



مشکلات و تنگناهای خرما در محدوده منطقه ای

- تخریب های ناشی از جنگ (نابودی بخشی از نخیلات و از بین رفتن توان باروری نخل ها)
- انهدام نظام آبیاری طبیعی هماهنگ با جذر و مد نخیلات به علت شکستن سدهای موجود روی نهرهای اصلی و تخریب نهرها و همچنین لایروبی نشدن کانال های میان نخیلات و پرشدن آن ها
- احداث سدهای خاکی بر روی رودخانه بهمنشیر و نفوذ آب شور دریا به نخلستان ها
- احداث جاده های ساحلی در منطقه اروند، قطع ارتباط آب و در نتیجه جلوگیری از بازگشت آب و نهایتاً باتلاقی شدن نخلستان ها
- رها بودن سطح وسیعی از نخیلات به میزان ۶هزار هکتار به دلیل عدم بازگشت تولیدکنندگان به منطقه

زیر ساختی

- قرنطینه امنیتی ۳هزار هکتار از نخیلات توسط ارتش
- مجهول المالک بودن بخشی از نخیلات
- روبه انقراض بودن نسل نخل کار در اثر فوت و کهنسالی
- پائین بودن ضریب مکانیزاسیون در نخلستان ها
- وجود علف های هرز بین نخل ها و گسترش آن در دوران جنگ و پس از آن
- گرانی سموم
- متوسط بازدهی تولید پائین
- عدم اجرای اصلاح تولید و جایگزینی گونه های کیفی
- خرید تضمینی خرما توسط دولت که منجر به کاهش کیفیت و افزایش قیمت شده است.

تولیدی

• انبارداری نامناسب

پس از تولید



• بسته بندی نازل پس از تولید

• بی سازمانی بازار صادرات

در کنار بذل عنایت به تنگناهای ملی و منطقه ای حوزه نخیلات، می باید به نقطه قوت هایی چند نیز توجه داشت؛

• مزیت دیرینه منطقه

مدت های مدید قبل از آن که خرمشهر به بندر تبدیل شود و آبادان میزبان پالایشگاه باشد، اقتصاد سنتی منطقه بر محور نخل و صید، گردش داشته است. فرهنگ نخل کاری و نخل داری در منطقه، از سابقه ای بس طولانی برخوردار است. به عبارتی نخل به طور تاریخی از اجزای جدایی ناپذیر زندگی محلی، محسوب می شود.

• موقعیت مستحکم تولید و صادرات خرما قبل از جنگ

بنا به نشان آمار، ایران قبل از جنگ بزرگترین تولیدکننده و صادرکننده خرما در جهان بوده است. پیشینه می تواند در رقم خوردن آینده، ایفای نقش کند.

• جامعه مرتبط گسترده

اقتصاد معیشتی بخشی از مردم منطقه با نخیلات می گذرد. این جامعه گسترده در جریان داشت، برداشت، هسته گیری، بسته بندی و صادرات با یکدیگر مرتبط اند. گرچه زنجیره ارتباط به سان گذشته مستحکم نیست، اما هنوز وجود دارد.

• خرما در سبد مصرف

خرما در طول یک دهه اخیر در سبد مصرف داخلی جای گرفته است، تا آنجا که از میزان ۹۰۰ هزار تن تولید ملی، ۴۵۰ هزار تن خرما به صورت تازه خوری و حدود ۵۰ هزار تن به صورت خشک در بازار داخلی به مصرف می رسد.

• حجم بالای ضایعات

بر اساس آمارهای موجود از میزان ۹۰۰ هزار تن تولید ملی خرما، ۵۰۰ هزار تن به مصرف داخلی رسیده و ۱۲۰ هزار تن نیز صادر می شود. به عبارتی حدود ۲۸۰ هزار تن خرما در سال ضایع می شود. این میزان در صورت برنامه ریزی و ساماندهی می تواند مورد فرآوری قرار گیرد.

• ضریب اشتغال بالا



در عرف محل، تدارک هر ۳۰ کیلو خرما ی صادراتی، یک روز اشتغال ایجاد می کند. ضمن آنکه نگهداشت و برداشت نیز در طول سال، کاربری قابل توجهی دارد.

• تجارب نوپدید ملی

در طول سال های گذشته، در شش استان نخل دار کشور، تجارب جدید فرآوری به بار نشسته است؛ عسل خرما، شکلات خرما و کشمش خرما از این زمره اند. خاصه آن که خرما محصولی با تنوع بالای فرآوری است. با لحاظ کردن نقطه قوت های مورد اشاره، حول محصول خرما می توان به زنجیره ای از تولیدات یا خوشه خرما دست یافت. تاریخ طولانی نخل داری در منطقه، جامعه گسترده مرتبط، تنوع در فرآوری خرما و تجارب نوآغاز فرآوری در مناطق نخل خیز، زمینه مساعدی هم سو با زمینه های نظری برای شکل دهی خوشه های صنعتی، برای ایجاد خوشه خرما در منطقه فراهم می کند. برای طراحی خوشه خرما در منطقه، ضرورت هایی چند، برابر روی قرار می گیرد:

- احیای نظام آبیاری طبیعی
- اصلاح نخیلات و جایگزینی گونه های پرتقاضا به جای گونه های کم تقاضا
- ایجاد نهاد متولی طراحی خوشه خرما
- تدارک حلقه پژوهشی - مشورتی با تأکید بر ظرفیت دانشگاه های محلی
- شناسایی ظرفیت های محلی برای ایفای نقش در ایجاد خوشه
- پژوهش میدانی برای گردآوری تجارب فرآوری در استان های نخل خیز
- ایجاد مرکز اطلاعات بازار



خوشه آبرزی



خوشه آبی

زیر بخش شیلات که از قدمتی طولانی در منطقه برخوردار است، دارای ظرفیتی است که بتوان بر محصولات آن اعم از محصولات صیادی و پرورشی، زنجیره ای از تولیدات را طراحی و سامان دهی کرد.

روبه رشد بودن زیر بخش شیلات، کشش بازارهای صادراتی و جدی تر شدن جایگاه محصولات شیلاتی در سبد مصرف خانوار، در کنار فرهنگ و تجارب محلی، مجموعه امکاناتی است که زمینه‌ای مهیا برای ایجاد خوشه آبی در منطقه فراهم می‌آورد.

. «منطقه مصرفی» عراق و کشورهای حوزه خلیج فارس و کشش بازار داخلی برای فرآورده ها، اعم از آماده طبخ و طبخ شده، مشوقی جدی برای خوشه آبی است.

از آنجا که تنوع فرآوری محصولات دریایی و پرورشی اعم از ماهی و میگو بسیار زیاد است، این زنجیره می‌تواند زنجیره ای پر حلقه باشد

چنانچه از ظرفیت آموزشی سازمان شیلات استفاده شود، تجهیز علمی تولید کنندگان برای وصل شدن به بازار فرآورده های دریایی، امکان پذیر خواهد بود. بخش آموزش سازمان شیلات که برگزاری دوره‌های آموزش برای انتقال تجارب کشورهای آسیای شرقی از جمله ویتنام را در سال ۸۳، به عهده داشته است، در سال ۸۴ دوره های آموزشی فرآوری اعم از فرآورده های آماده طبخ و طبخ شده را در بندر عباس و چابهار بر پا کرده است و از آمادگی تکرار دوره ها در آبادان و خرمشهر برخوردار است. تجهیز به اطلاعات بازار خصوصاً بازار منطقه، در کنار آموزش، پیش نیاز دیگری برای طراحی خوشه آبی قلمداد می‌شود.

مجمع‌های بزرگ فرآوری به ایجاد اشتغال متوسط به بالا و کارگاه های کوچک و متوسط فرآوری به ایجاد اشتغال کوچک و متوسط، کمک ویژه ای خواهند کرد.



خوشه نیشکر



خوشه نیشکر

با در نظر گرفتن مسافت نسبتاً کوتاه میان مرکز تولید نیشکر خوزستان با منطقه مورد بررسی، فرصت تشکیل خوشه نیشکر در این منطقه وجود دارد. آبادان و خرمشهر که پائین دست هفت تپه قرار دارند، می‌توانند میزبان فرآوری نیشکر باشند.

تجارب نوآغاز در شهرک صنعتی خرمشهر در حوزه تولید الکل از ملاس نیشکر و تولید کنجاله از تفاله آن، زمینه مساعدی برای گسترش این زنجیره و طراحی خوشه فراهم کرده است.

به منظور نیل به شرایط لازم برای طراحی خوشه نیشکر به

استفاده از امکانات پژوهشی «شیرین شهر» (شهر نیشکر)

بهره‌مندی از توان پژوهشی و طراحی دانشکده کشاورزی دانشگاه اهواز

تقویت تجارب نوآغاز در شهرک صنعتی خرمشهر

و طرح موضوع با نهادهای اصلی تولید نیشکر در خوزستان

نیاز است.



صنایع پائین دستی قطب‌های صنعتی استان



صنایع پائین دستی

قطب‌های صنعتی استان

استان خوزستان میزبان قطب‌هایی چون فولاد، نفت و نیرو است. سرمایه‌گذاری در صنایع پائین‌دستی هر یک از قطب‌های معظم صنعتی موجود در استان، با توجه به دانش دیرینه هر یک از آن‌ها، می‌تواند در این منطقه انجام پذیرد. ضمن آن که احداث تعمیرگاه شناور در منطقه با توجه به ناوگان عظیم شناوری، از مزیت برخوردار است. طراحی سه خوشه صنعتی خرما، آبی و نیشکر، خود به احداث متعدد واحد صنعتی خواهد انجامید.



دیگر زمینه ها



گردشگری

سامان و سازمان دهی گردشگری در منطقه را می‌توان از دو منظر داخلی و منطقه ای مورد نظر قرارداد. بنابر آمارهای غیر رسمی، همه ساله متجاوز از یک میلیون نفر از آثار به جای مانده از دوران جنگ در شهرهای آبادان و خرمشهر بازدید کرده و برخی از آن‌ها نیز خاطره تازه می‌کنند. در همین حال منطقه همه ساله میزبان تعداد قابل توجهی از مهمانان نوروزی است.

در پرتو این امکان میزبانی، با تجهیز کناره‌های کارون و اروند به طور جدی می‌توان به جاذبه‌های گردشگری منطقه افزود. این تجهیز تنها به مبلمان شهری و امکانات بهداشتی خلاصه نمی‌شود و می‌تواند به زنجیره ای از مشاغل خرد و متوسط در کناره‌ها منجر شود. ارائه انواع غذاهای محلی و غیر محلی، ارائه صنایع دستی محلی در غرفه‌ها، ایجاد موزه جنگ، نمایشگاه‌های دائمی عکس از تاریخ ورزش آبادان و خرمشهر، فروشگاه‌های محصولات دریایی و خرما و فرآورده‌های آن‌ها و حلقه‌های این زنجیره محسوب می‌شوند.

از منظر گردشگری منطقه ای، آبادان و خرمشهر می‌توانند سرپل زیارتی برای شیعیان سه کشور ایران، عراق و کویت در نظر گرفته شوند. تمایل شیعیان کویت و عراق به زیارت اماکن متبرکه در ایران و تمایل شیعیان ایران و کویت به زیارت اماکن متبرکه در عراق، زمینه بسیار مناسبی برای تحقق این امر است. امکانات بندرگاهی، فرودگاهی و راه آهن در منطقه، زیربناهایی اساسی برای سرپل واقع شدن این منطقه برای سفرهای زیارتی است.

در این ارتباط می‌توان مزارعی را با عنوان **فلاحه** - فراغت برای استفاده گردشگران در طول سفرهای سالانه به منطقه، طراحی کرد.



ورزش و هنر

استان خوزستان و بویژه شهرهای آبادان و خرمشهر از دیر باز، هم به ورزش شهره بوده‌اند و هم به هنرهای نمایشی و نوشتاری.

احیای فوتبال، شنا، بوکس و کشتی فرنگی در کنار احیای قابلیت‌های سینمای آماتوری و حرفه‌ای، تئاتر و داستان نویسی، دریچه دیگری به روی منطقه می‌گشاید.

با توجه به چند دهه پیشینه در هر دو حوزه، می‌توان به ایجاد

مدارس فوتبال، شنا، واترپلو و کشتی

خانه سینما

خانه تئاتر

و اتاق قصه

در هر دو شهر اقدام کرد. این تأسیس هم ایجاد اشتغال‌های خرد و متوسط و هم آموزش و پرورش استعدادهای منطقه را مد نظر دارد.

از سویی با توجه به امکانات آب‌های آزاد و آب‌های روان منطقه، این دو شهر می‌توانند به کمپ ورزش‌های آبی کشور و اردوگاه ملی ورزش‌های آبی مبدل شوند.

از آنجا که منطقه در فصول پائیز و زمستان از هوای مطبوعی برخوردار است و در مقابل، بخش مهمی از استان‌های کشور در این دو فصل با مشکل استفاده از فضاهای باز ورزشی مواجه‌اند، این منطقه می‌تواند به عنوان کمپ اردوهای ملی و باشگاهی، طراحی شده و مورد استفاده تیم‌های ملی و باشگاهی و نیز اردوهای دانشگاهی و دانش‌آموزی قرار گیرد.



